

۳
افق

جنگ مواد یا قدرت؟

بررسی هدف ترامپ از فشار بر ونزوئلا

۴
کافه

سرمایه ماندگار نگارگری

بزرگداشت امیرھوشنگ جزی زاده

۸
حافظه

قربانی حزب کور

درباره مرتضی کیوان

۷
کوچهلایحه کاهش خشونت
یا تشویق به آن؟اختلاف نظر دولت و مجلس بر سر
لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت

یادداشت روز

از گذشته درس بگیریم

درباره سازماندهی ۸۰ هزار نیروی آمر به معروف

صالح نقره کار

حقوقدان



قاعدتا نمی شود نسبت به خبر تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و سازماندهی ۸۰ هزار نیروی موسوم به آمر به معروف در تهران بی تفاوت ماند. چنین شبکه ای گسترده در شرایطی پیشنهاد می شود که هنوز دولت و جامعه از تبعات اقتصادی و اجتماعی بحران های اخیر رنج می برند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اعمال قدرت اجرایی، مسیر روشنی تعیین کرده است. اصل ۶۰ قانون اساسی مقرر می کند که اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و وزراست. به بیان دیگر هر برنامه اجرایی در کشور- از جمله سازماندهی نیروهایی با مأموریت برخورد با شهروندان- باید زیر نظر رئیس جمهور و وزرا و در چارچوب قانون صورت گیرد. دور زدن این اصل با تشکیل ستادها و قرارگاه های تازه، نه تنها به نوعی موازی کاری خطرناک تبدیل می شود بلکه نوعی آنارشی در حاکمیت را رواج می دهد. این نگرانی وقتی جدی تر می شود که برخی از مقامات، مأموریت تازه ستاد را «فرهنگی، اجتماعی و مردمی» توصیف کرده و می گویند، هدف مقابله با سکولاریسم و بی تفاوتی اجتماعی است. تجربه گشت ارشاد به همه مان نشان داده است که این عناوین فرهنگی چگونه می تواند به دخالت های خشونت آمیز در زندگی شهروندان تبدیل شود. در سال های اخیر موارد متعددی از حمله آمران به معروف به مردم با دخالت در سبک زندگی آنان ثبت شده است. بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند، اختیار قانون گذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند اما در موارد ضروری می تواند، اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمسیون های داخلی خود تفویض کند. موضوع تشکیل نهادی با ۸۰ هزار نیرو و صدور دستور برای مداخله در زندگی مردم، بدون تصویب قانون صریح، مصداق واگذاری قانون گذاری به یک ستاد اجرایی است و این برخلاف روح اصل ۸۵ است. تفویض اختیار در موارد اضطراری نیز باید مدت و حدود مشخص داشته باشد و نهایتاً تصویب نهایی قوانین به مجلس واگذار شود. در حالی که لایحه عفاف و حجاب هنوز با چالش های حقوقی فراوان روبه روست، ایجاد نهاد جدید عملاً حکم قانون گذاری و اعمال محدودیت توسط کمیسیونی خارج از روند تقنینی را دارد. امر به معروف و نهی از منکر، فارغ از برداشت های مذهبی، یک فن و دانش است. استادان اخلاق اسلامی همواره تأکید کرده اند که این فریضه باید مرحله ای، با رعایت حرمت و حفظ کرامت افراد انجام شود. وقتی دبیر ستاد می گوید با فعال سازی ۸۰ هزار نیروی آموزش دیده، می توان «تحولی بزرگ» در استان تهران ایجاد کرد این پرسش مطرح می شود: چه نهادی آنها را آموزش داده است و چه معیاری برای تشخیص معروف و منکر به آنان آموخته می شود؟ اگر این آموزش ها شامل حقوق اساسی، منع خشونت و رعایت کرامت انسان ها نباشد، بازتولید همان مشکلات گشت ارشاد است. از سوی دیگر در کشوری که هنوز برای معضل بیکاری و تورم پاسخی ندارد، صرف هزینه و بودجه برای تربیت لشکری از آمران به معروف نشان دهنده اولویت گذاری نادرست است. بسیاری از خواهران ما کمبود امنیت اجتماعی و هراس از برخوردهای فراقانونی را بارها تجربه کرده اند. این نگرانی نه تنها به جامعه ما محدود نمی شود بلکه بسیاری از زنان و جوانان نیز از احتمال بازگشت برخوردهای خشن در معابر عمومی بیم دارند. حفظ فرهنگ عمومی و ارزش های اجتماعی بدون شک برای هر جامعه ای مهم است اما ابزارهای آن باید قانونی، اخلاقی و کارآمد باشد. اجرایی کردن فریضه های دینی به معنای ساختن لشکر و نهادهای موازی نیست؛ بلکه به معنای سرمایه گذاری بر آموزش، گفت و گو و اقناع است. اگر واقعاً به دنبال «نهی از منکر» هستیم شاید بهتر باشد به مبارزه با فساد اقتصادی، تبعیض و خشونت ساختاری بپردازیم. قدرت حاکمیت زمانی پایدار خواهد ماند که مردم احساس کنند، قوانین برای حفظ کرامت و حقوق آنان است نه برای مراقبت از پوشش و سبک زندگی شان.

سید حسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

خطاب به رئیس جمهور تأکید کرد:

کابینه باید ترمیم شود

گروه سیاسی: سید حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران و از چهره های شاخص جریان اصلاح طلب در برنامه «ایرانشهر» رسانه «دیدارنیوز» درباره مسائل مختلف مرتبط با منافع ملی ایران از فعال شدن مکانیسم ماشه، تحرکات تدریجی، چشم انداز اقتصادی کشور، نیازهای مدیریتی برای برونرفت از وضع کنونی و از ضروریات دیپلماسی امروز کشور در شرایط جدید سخن گفت.

مرعشی در آغاز گفت و گو، فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم های شورای امنیت را خطای محاسباتی جدی از سوی غرب دانست و گفت: «من تصورم بر این نبود که غربی ها چنین اشتباهی انجام بدهند. در شرایطی که امروز جهان در آن قرار دارد بر این باورم که این عمل، خطای راهبردی از سوی غرب بوده است. اروپایی ها در این ماجرا، بازی آمریکا را خوردند و برآوردشان از اثرگذاری فشارها بر ایران غلط است». او تأکید کرد تحریم، هرچند به اقتصاد ایران آسیب می زند اما ابزار تسلیم نیست.

وی تصریح کرد: «درست است که بخشی از مردم ایران نسبت به سیاست های جاری جمهوری اسلامی نقد دارند اما هیچ ایرانی شرافتمندی اجازه نخواهد داد درباره امنیت و دفاع مشروع ما معامله ای صورت پذیرد. غربی ها باید توجه می کردند که خود آنان با مساله مهمی روبه رو هستند و گرفتاری بزرگی در حل نزاع میان روسیه و اوکراین دارند. اگر اروپاییان بخواهند مشکلی را حل کنند نخست باید به حل این مناقشه بپردازند؛ چرا در مورد ایران مرتکب چنین خطاهایی می شوند؟ روسیه نمی تواند بدون دستاورد از جنگ خارج شود و اروپاییان نیز نمی توانند بپذیرند که روسیه با دستاورد از جنگ بیرون آید. برای اروپا و روسیه، این جنگ در حکم امر حیاتی است. روس ها به خوبی می دانند که اگر بدون دستاورد از این جنگ خارج شوند، خطرات مهمی امنیت شان را تهدید خواهد کرد و احتمال تجزیه یا سقوط دولت کنونی مطرح است. اروپاییان نیز چنین می اندیشند که اگر پیروزی یا بازدارندگی ایجاد نکنند، شرق اروپا برای سال ها در معرض تهدید خواهد ماند. در این شرایط، برخوردهای نادرست آمریکا و اروپا در حال شکل دادن به بلوکی جدید از روسیه، چین و کره شمالی است و ایران نیز بی دلیل به سوی چنین جهتی رانده می شود. طبیعی است که ایران نیز در نتیجه رفتار غرب، چاره ای جز تقویت پیوندهای خود با چین و روسیه نخواهد داشت؛ این امری اجتناب ناپذیر است و خطایی است که غرب مرتکب شده است».

مرعشی در ادامه گفت که اروپا و آمریکا باید بدانند، ادامه مسیر تحریم و فشار، ایران را به طور طبیعی به سمت شرق سوق خواهد داد: «رفتارهای نادرست غربی ها باعث می شود که ایران به همکاری های بلندمدت تری با چین و روسیه فکر کند. این اشتباه غرب است؛ اگر با ما منطقی رفتار می کردند، ایران می توانست در نقطه تعادل بین شرق و غرب بماند». او تصریح کرد که سیاست جمهوری اسلامی همواره تلاش برای توازن در روابط بین الملل بوده اما «وقتی غرب درهای گفت و گو را می بندد، طبیعی است که ایران به سمت شرق می رود».

| ادامه در صفحه ۲



خبر

ایران بی‌هرز

وزیر میراث فرهنگی: اراده دولت برای پیوند دوباره با ایرانیان خارج از کشور

سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در نشست با رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و رایزنان فرهنگی تأکید کرد که دولت عزم خود را جزم کرده تا مانع ارتباط ایرانیان خارج از کشور نباشد و از ظرفیت فرهنگی و اقتصادی آنان برای پیشرفت ایران بهره گیرد. او گفت هرچه ایرانیان خارج از کشور بیشتر در فضای فرهنگی ایران تنفس کنند، سرمایه و تخصص بیشتری به کشور بازخواهد گشت. صالحی‌امیری مهم‌ترین نیاز جامعه امروز را «امیدآفرینی» دانست و افزود: پس از جنگ اخیر باید با تقویت غرور ملی، نشاط اجتماعی و دبستگی به ایران، سرمایه اجتماعی را بازسازی کنیم. به گفته او، رضایتمندی مردم با کارآمدی دولت پیوند دارد و تجربه توزیع گسترده کالاها ی اساسی در بحران اخیر نمونه‌ای از این کارآمدی است. وی بر اهمیت انسجام ملی تأکید کرد و آن را فراتر از وحدت ظاهری دانست؛ به این معنا که همه ظرفیت‌های کشور برای هدف مشترک «بقای ایران» هم‌افزا شوند. او با اشاره به جمعیت ۹ تا ۷ میلیونی ایرانیان مقیم خارج از مأموریت شورای عالی ایرانیان برای تقویت پیوند فرهنگی و عاطفی این جامعه با کشور خبر داد و افزود: چهار کارگروه در زمینه‌های گردشگری، آموزش و فناوری، حقوقی و اقتصادی برای این منظور تشکیل شده است. وزیر میراث فرهنگی در بخش دیگری از سخنانش به برنامه‌های گردشگری ایران پرداخت و گفت پیش از جنگ، هدف جذب ۱۵ میلیون گردشگر تا پایان برنامه هفتم توسعه تعیین شده بود. اکنون تمرکز بر حوزه تمدنی نوروز، خلیج فارس و کشورهای اسلامی مانند عراق، کویت، مصر، اندونزی و نیز بازارهای شرق آسیا و روسیه است. او از رشد ۳۰ درصدی گردشگران در دو ماه نخست سال خبر داد و پیش‌بینی کرد در صورت ثبات، شمار گردشگران تا پایان سال از ۸ میلیون نفر فراتر رود. صالحی‌امیری همچنین از ۵ مشوق بزرگ برای جذب سرمایه‌گذاران خبر داد: معافیت ۸۰ درصدی عوارض شهرداری، حذف عوارض تغییر کاربری، مجوز احداث مجتمع‌های ترکیبی و واردات کالاهای مورد نیاز هتل‌ها با گمرک صفر. او با تأکید بر بازسازی تصویر ایران گفت: جذابیت، امنیت و زیرساخت سه مؤلفه اصلی جذب گردشگرند و ۸۵ درصد گردشگران با تصویری مثبت از ایران بازگشته‌اند. تولید محتوای سه‌زبانه و حمایت از برنامه‌های فرهنگی در کشورهای هدف از دیگر اقدامات اعلام شده، بود. صالحی‌امیری در پایان تأکید کرد: «ایران خانه همه ایرانیان است، در هر کجای جهان که باشند».

افشاگری تازه درباره CFT

واکنش مجمع تشخیص به ادعای یک نماینده

محسن دهنوی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس در پاسخ به توثیت میثم ظهوریان، نماینده مشهد در مجلس که ادعای دستکاری مجمع تشخیص در مصوبه سال ۹۷ مجلس در زمینه CFT را مطرح کرده است، نوشت: جناب آقای ظهوریان! حق الشرطی که مدنظر شماست مربوط به مصوبه اولیه مجلس شورای اسلامی در مورد لایحه CFT است که مهرماه سال ۱۳۹۷ برای شورای نگهبان ارسال شد و مورد ایراد شورا قرار گرفت. وی تأکید کرد: مجلس شورای اسلامی آبان ماه سال ۱۳۹۷ این مصوبه را اصلاح کرد و این حق‌الشرط از مصوبه مجلس حذف شد. سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه در مصوبه ارسالی مجلس به شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام در دی ماه سال ۱۳۹۷ چنین بندی وجود ندارد، خاطر نشان کرد: همان‌طور که قبلاً تلفنی خدمت شما عرض کردم، مجمع تشخیص مصلحت نظام نه تنها هیچ بند و حق‌الشرطی را از مصوبه مجلس شورای اسلامی حذف نکرده بلکه یک شرط هم اضافه کرده است. پیش از این ظهوریان، نماینده مشهد و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در صفحه شخصی خود در فضای مجازی مدعی شده بود: بررسی متن ابلاغ شده مصوبه مجمع تشخیص توسط رئیس مجلس نشان می‌دهد نه تنها خبر منتشر شده در مورد اضافه شدن شرط توسط مجمع به مصوبه مجلس نادرست است که مجمع تشخیص مصلحت، مهم‌ترین شرط مصوبه مجلس وقت را که در تبصره قانون ذکر شده بود و تودیع اسناد CFT را منوط به خروج ایران از لیست سیاه FATF می‌کرد، در مصوبه نهایی حذف کرده است.

ادامه تیتیر یک

کابینه باید ترمیم شود

گفت‌وگو با آمریکا؛ بله، اما راهبردی

مرعشی در بخش دیگری از گفت‌وگو درباره امکان مذاکره با آمریکا با تأکید بر اینکه اگر بنا باشد، گفت‌وگوی مؤثری میان ایران و آمریکا برقرار شود این گفت‌وگو باید فراتر از تاکتیک‌ها و به شکل راهبردی تعریف شود، گفت: «مذاکره فی‌نفسه منفی نیست اما مذاکره‌ای که آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند، تاکتیکی و موقت است؛ در حالی که ما به گفت‌وگوی راهبردی نیاز داریم. آمریکایی‌ها می‌خواهند در موضوع دفاعی و امنیتی ما دخالت کنند که این خط قرمز ایران است». او تأکید کرد که گفت‌وگو باید بر مبنای منافع دو طرف تعریف شود: «درباره راهبردهای کلان به نظر من گفت‌وگو میان ایران و آمریکا می‌تواند بسیار سازنده باشد. آمریکایی‌ها به دنبال منطقه‌ای عاری از تنش‌اند و ایران نیز به همین هدف تمایل دارد؛ ایران کشوری مهم در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است. آیا ایران و آمریکا، منافع مشترک دارند؟ بی‌گمان دارند: در عراق، در افغانستان، در تأمین ثبات خلیج فارس منافع مشترک وجود دارد. در منطقه منافع مشترک و همزمان تضاد منافع نیز داریم؛ این امری طبیعی است و هر دو کشور نمی‌توانند در همه مسائل منافع مشترک داشته باشند. بنابراین شایسته آن است که هر دو طرف، جمهوری اسلامی و ایالات متحده به همکاری‌های راهبردی و بلندمدت بپندیشند و این موضوع را در دستور گفت‌وگو قرار دهند. پیشنهاد می‌کنم که اگر آقای عراقچی قرار است، مذاکرات را مدیریت کند، هیات‌های اقتصادی و دیپلماتیک توانا و مسلط رودرروی هم بنشینند و تصویر روشنی از همکاری‌های آینده ایران و آمریکا ترسیم کنند». مرعشی با بیان اینکه ایران نباید هیچ قدرتی را به‌کلی طرد کند، افزود: «این معنایش این نیست که ما با چین یا روسیه کار نمی‌کنیم. ایران باید کشوری باشد که با همه همکاری کند، غیر از اسرائیل».

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در پاسخ به پرسشی درباره بیانیه اخیر جبهه اصلاحات با انتقاد از ادبیات تدروها در واکنش به این بیانیه یادآور شد که «جبهه اصلاحات ایران، جبهه‌ای است که پایبند به امام و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی است و تحت تأثیر منش و رفتار آقای سیدمحمد خاتمی قرار دارد؛ ایشان فرزند انقلاب و نظام بوده و در دوره‌ای ۸ ساله رئیس‌جمهور این نظام بودند و مواضع شفاف و روشنی هم در پی جنگ تحمیلی اسرائیل اتخاذ کرده‌اند. منتقدان – نه تخطئه‌کنندگان– باید تقدشان را به شیوه‌ای منصفانه و مؤدبانه مطرح کنند. تخطئه و پیگیری قضایی، روش‌های مناسب برای تعامل سیاسی نیست».

مرعشی در پاسخ به احتمال مناظره جلیلی و روحانی گفت: «اگر جلیلی دعوت به مناظره روحانی را بپذیرد، می‌توان این رخداد را به‌عنوان یک گام در راستای گفت‌وگو در جامعه تلقی کرد؛ اما تصور نمی‌کنم چنین اتفاقی محقق شود. هنگامی که افراد پیش از گفت‌وگو برای یکدیگر خط و نشان می‌کشند، گفت‌وگو بی‌معنا می‌شود. وی اشاره‌ای هم به تحركات و مطالبه برخی نیروهای سیاسی برای محاکمه حسن روحانی و محمدجواد ظریف کرد: «مناظره روحانی – جلیلی اتفاق نمی‌افتد. سوالات زیادی برای پاسخ دادن هست. چه کسی پاسخ قرار دادن ۵۰ سال سرمایه‌گذاری هسته‌ای در معرض حمله سنگین اسرائیل را می‌دهد؟ چرا مجلس در ماه‌های آخر دولت روحانی با احیای برجام مخالفت کرد؟ اینها، همه چراهایی است که باید به آن پاسخ داد. از بین رفتن زیرساخت‌های اتمی با حمله نظامی، ضرر بزرگی برای ایران بود». او در ادامه پیشنهاد کرد که «به‌جای مناظره دو ساعته که ممکن است نتیجه چندان جدی‌ای نداشته باشد، پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌های ایران این دوره تاریخی را مورد مطالعه دقیق قرار دهند: «از حدود سال ۱۳۸۴ که آقای احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری رسید تا سال ۱۳۹۲ که آقای روحانی آمد و تا ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ و جنگ ۱۲ روزه؛ این دوره تاریخی بسیار قابل بررسی است. باید منصفانه و دقیق با جزئیات مشخص کرد که چه اتفاقی افتاد که ما به این نقطه رسیدیم». او افزود: «کسانی که در این ۲۰ سال خطاهایی مرتکب شده‌اند که به چنین وضع نامطلوبی انجامیده باید در پیشگاه ملت پاسخگو باشند».

شعارهای پرهزینه رادیکال‌ها

مرعشی در پاسخ به اظهارات تدروهایی که خواستار خروج ایران از NPT یا بستن تنگه هرمز شده‌اند، گفت: «این افراد حق اظهارنظر دارند اما نه اکثریت جامعه‌اند

و نه در حکومت نقشی دارند. در دوران جنگ هم ایران سراغ بستن تنگه نفت؛ حالا هم چنین تصمیمی نه عقلانی است، نه به نفع کشور».

او خواسته برخی از نمایندگان مبنی بر ساخت سلاح هسته‌ای را شعاری احساس‌ساز و پرهزینه توصیف کرد و افزود: «از برخی دوستان متعجبم! کشوری که نتوانسته پرونده‌های غیرنظامی خود را حل کند، اکنون نیز تأسیسات و دستاوردهای خود را از دست داده و تحریم‌هایش بازگشته‌اند، چگونه می‌خواهد چنین ادعایی کند؟ اکنون که بسیاری از امکانات را از دست داده‌ایم و باید به اداره اقتصاد نیمه‌جان کشور فکر کنیم، صدور سخنان فراتر از ظرفیت عملی چه توجیهی دارد؟ آیا می‌خواهیم، جهان را بیشتر به تهدید وادار کنیم؟ باید نگاهی ملی و واقع‌بینانه داشت و نباید سخنانی گفت که قابلیت اجرا نداشته باشند».

در بخش مهمی از گفت‌وگو، مرعشی به آثار اقتصادی تحریم‌ها پرداخت و با عدد و رقم از خسارت‌های ۲۰ ساله گفت: «ما در این ۲۰ سال باید بر اساس برنامه‌های مصوب مجلس سالانه حدود ۸ درصد رشد می‌کردیم؛ اما متوسط رشد اقتصادی ما در این مدت سالانه حدود یک درصد بوده است یعنی هر سال ۷ درصد عقب‌ماندگی. این امر موجی از بیکاری را پدید آورده؛ نسلی جوان دارد وارد بازار می‌شود که توان اداره زندگی خود را ندارد، کشور فقیر شده، درآمدها کاهش یافته و کسری بودجه وجود دارد. بحران‌هایی که امروز در برق، گاز، آب، صندوق‌های بازنشستگی و نظام بانکی مشاهده می‌کنیم، همه ریشه در این رشد اندک اقتصادی دارد. اگر اقتصاد کشور در این ۲۰ سال سالانه ۸ درصد رشد می‌کرد، اکنون تولید ناخالص داخلی و نیز سرانه درآمد هر ایرانی ۳ برابر وضع فعلی بود. حتی در حوزه مقاومت نیز اگر اقتصاد قوی‌تر بود، می‌توانستیم بهتر مقاومت کنیم. بنابراین مسئولیت اعمال تحریم با کشورهای صنعتی است که آن را به‌کار گرفتند اما ایران نیز باید راه‌هایی برای پیشگیری و مدیریت آن پیش‌بینی می‌کرد؛ پذیرش دوره کوتاه تحریم برای دستیابی به دستاورد قابل قبول است اما تحمل ۲۰ سال تحریم زیانبار است».

بخش خصوصی؛ محور تاب‌آوری اقتصادی

مرعشی با اشاره به نقش مهم بخش خصوصی در دوران تحریم گفت: «در شرایط کنونی بخش خصوصی بار اصلی را بر دوش می‌کشد. صنایع مهم ایران اعم از صنایع معدنی، نفتی و پتروشیمی عمده‌تا متکی به ابتکارات بخش خصوصی هستند و در غیاب درآمدهای نفتی قابل توجه، نیازهای کشور را تأمین می‌کنند. بخش خصوصی همچنان آمادگی دارد نقش‌آفرینی کند؛ مسأله این است که آیا دولت شایستگی حمایت از بخش خصوصی را دارد و آیا اجازه می‌دهد، بخش خصوصی با مکانیسم‌های خود، کشور را با هزینه کمتر و کارآمدتر اداره کند؟»

او ادامه داد: «ایران در شرایط جدید با دو وضعیت روبه‌روست: نخست احتمال حمله که از نظر من احتمالش ضعیف است چراکه هم تلاش‌های اسرائیل در جنگ قبلی نشان داد که آنان تصور نمی‌کردند، ایران بتواند پاسخ سنگینی



دهد و اکنون آمادگی دفاعی ایران افزایش یافته و بعید است، اسرائیل چنین اشتباهی را مرتکب شود؛ آمریکایی‌ها نیز اجازه نخواهند داد، اسرائیل به سمت «تغییر رژیم» برود زیرا نتیجه آن بی‌ثباتی منطقه است و آنان می‌دانند که از این بی‌ثباتی چه زیان‌هایی متوجه آنها خواهد شد. در نتیجه باید آمادگی دفاعی در بالاترین سطح حفظ شود و ضعف‌های جنگ ۱۲ روزه جبران شود. دوم، فشارهای اقتصادی تشدید خواهد شد و در اینجا نقش دولت تعیین‌کننده است. باید تاب‌آوری اقتصاد تقویت شود؛ دولت نیاز به اتخاذ سیاست‌های جدید یا انجام اصلاحاتی در کابینه و آماده‌سازی برای همراهی با مردم دارد».

او با بیان اینکه مردم در یک سال آینده، نقش حیاتی‌ای در سپهر سیاسی ایران خواهند داشت، تأکید کرد: «مردمی که آماده‌اند از کیان کشور، تمامیت ارضی، امنیت و ثبات دفاع کنند باید قادر به اداره زندگی خود باشند. مردم گرسنه و گرفتار و بیکار نمی‌توانند مقاومت کنند. اکنون اقتصاد ایران وارد رکود تورمی جدی شده است: نرخ تورم بالای ۴۵ درصد و رشد اقتصادی احتمالاً منفی؛ این وضعیت رکود تورمی است. رشد منفی اقتصادی به معنای بیکاری گسترده است. دولت باید تحولی در سیاست‌ها ایجاد کند یا دست‌کم ترمیم کابینه انجام دهد و مردانی شجاع و توانمند را در پست‌های کلیدی بگذارد. هر میزان هم که لازم است از صندوق توسعه ملی برداشت کند، هر تسهیلاتی از خارج لازم است تأمین شود؛ دولت باید با تمامی توان در کنار مردم قرار گیرد. این مردم‌اند که در یک سال آینده غرب، اروپا و اسرائیل را مایوس خواهند کرد؛ این مردمند که مقاومت را به پیروزی خواهند رساند. ما با تمام توان به نیویورک رفتیم تا بسا غربی‌ها توافق کنیم و تا جایی نرمش نشان دادیم، اما با پاسخ‌های غیرمنطقی مواجه شدیم. اکنون من که اصلاح‌طلب هستم و همواره طرفدار گفتگو بوده‌ام می‌گویم: این یک سال آینده، سال مقاومت است. این مقاومت باید توسط مردم و با پشتیبانی دولت تحقق یابد تا تحمل فشارهای بیشتر از سوی مردم انتظار نرود. دولت باید یک خانه تکانی ذهنی، سیاستی یا حتی به خانه تکانی ترمیمی در حد ترمیم کابینه انجام دهد. باید عده‌ای به میدان بیایند و مردانه پای مردم بایستند. البته لازم نیست «خانه‌تکانی» حتما به معنای تغییر کرسی‌ها باشد؛ گاهی باید تغییری در سیاست‌گذاری صورت گیرد و گاهی تغییری فکری و ذهنی. مهم آن است که دولت بداند اکنون چه باید بکند. تأکید می‌کنم که پس از ناکامی در نیویورک و تحت تأثیر رفتار نامناسب غرب، اکنون باید به خود متکی شویم. در یک سال آینده نمی‌توانیم تنها بر مدار گفت‌وگو متکی باشیم؛ باید بر مقاومت تکیه کنیم. این مقاومت باید توسط مردم صورت گیرد در حالی که دولت باید با تصمیم‌گیری‌های درست، فعال‌سازی وزارتخانه‌های نیمه‌فعال یا اصلاحاتی در آن‌ها، با قاطعیت کامل وارد عمل شود. آقای پزشکیان باید نقش تاریخی خود را در اداره مطلوب کشور و کاهش فشار بر مردم درک کند؛ این کلید ماه‌های آینده است. کمبدها و نارسایی‌ها را می‌شناسم، اما اکنون به وزرایی نیاز داریم که شجاع، توانمند، مسلط و همراه با فعالان اقتصادی باشند. زمان شوخی با مردم نیست؛ نمی‌توانیم بپذیریم که بیکاری افزایش یابد یا زندگی مردم بیش از این دشوارتر شود. اکنون وقت اتخاذ تصمیمات مهم، تجهیز منابع و اجرای شجاعانه اقدامات است».

او در پایان برای شرایط کنونی ایران چند نیاز کلیدی را برشمرد که باید مورد توجه قرار گیرد: «نخست، حفظ، تقویت و توسعه قدرت نظامی‌مان برای آمادگی در برابر هر نوع تحریک از سوی اسرائیل یا آمریکا؛ دوم، حفظ انسجام ملی است که به‌طور بی‌سابقه‌ای در نتیجه جنگ ۱۲ روزه شکل گرفته اما حاکمیت تاکنون پاسخ روشنی به آن نداده است. اکنون لازم است دولت، مجلس و قوای دیگر در خدمت رهبری، اقداماتی انجام دهند تا هر امر یا اقدامی که در گذشته موجب رنجش مردم شده یا می‌شود متوقف شود؛ حاکمیت باید پاسخ مناسب به همبستگی ملی بدهد و این همبستگی را حفظ کند. سوم، دیپلماسی باید در سطح کشورهای منطقه در سطح اروپایی همچنین در سطح راهبردی با آمریکا دنبال شود. و چهارم، در عرصه اقتصاد، دولت باید بتواند با همین منابع موجود بار فشار را از دوش مردم بردارد». دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در پایان تأکید کرد: «اگر اراده جدی وجود داشته باشد، مدیریت می‌تواند معجزه کند».



نقض آتش بس

اسرائیل حمله به غزه را از سر گرفت

گروه بین الملل: در حالی که تنها ۹ روز از اجرای توافق آتش بس در نوار غزه می گذرد، ارتش اسرائیل صبح یکشنبه بار دیگر حملات گسترده‌ای علیه این منطقه آغاز کرد؛ اقدامی که بسیاری از تحلیلگران، آن را نشانه‌ای از فروپاشی سریع آتش بس و بازگشت بحران به نقطه آغاز می دانند.

بر اساس گزارش رسانه‌های اسرائیلی، یگان‌های هوایی و دریایی این رژیم از بمبارد دیروز اهدافی را در منطقه رفح در جنوب نوار غزه هدف قرار داده‌اند. ارتش اسرائیل مدعی است این حملات در پاسخ به اقدام نیروهای حماس در شلیک موشک ضدتانک و تیراندازی به سمت نیروهای اسرائیلی در نزدیکی مرز صورت گرفته است. سخنگوی ارتش این رژیم در بیانیه‌ای اعلام کرد: «مبارزان حماس توافق آتش بس را نقض کرده‌اند و ارتش برای از بین بردن تهدید، عملیات محدودی را آغاز کرده است». با این حال منابع میدانی در غزه گزارش داده‌اند که حملات اسرائیل، فراتر از پاسخ «محدود» بوده و چندین نقطه در رفح و اطراف آن هدف بمباران قرار گرفته است. نیروی دریایی اسرائیل نیز همزمان با حملات هوایی، آتش سنگینی را در امتداد ساحل گشود. این اقدام جدی‌ترین نقض آتش بس از زمان آغاز آن در هفته گذشته محسوب می شود.

آمریکای لاتین

جنگ مواد یا قدرت؟

هدف ترامپ از فشار بر ونزوئلا و تلاش برای تغییر رژیم چیست؟



ابوالفضل خدایی

گروه بین الملل

در دو دهه اخیر، روابط ایالات متحده و ونزوئلا به یکی از پرتنش ترین فصل‌های سیاست خارجی آمریکا در نیم کره غربی تبدیل شده است؛ روابطی که در سایه تحریم‌ها، جنگ تبلیغاتی و نبردی فرسایشی برای تغییر رژیم در کاراکاس شکل گرفته است. اگرچه میان دو کشور هیچ‌گاه درگیری نظامی مستقیم رخ نداد اما مقام‌های ونزوئلایی از «جنگ اقتصادی» و «تهاجم ترکیبی» سخن می گویند؛ نبردی خاموش که پیامدهای آن بر سفره مردم ونزوئلا سایه انداخته است.

آغاز تقابل ایدئولوژیک

ریشه‌های این خصومت به دوران هوگو چاوز بازمی گردد؛ رهبر کاریزماتیکی که از سال ۱۹۹۹ با شعار «انقلاب بولیواری» قدرت را در دست گرفت و با ادبیاتی ضدآمریکایی، پروژه‌ای سوسیالیستی را در برابر سرمایه داری واشنگتن بنا نهاد. او با ملی سازی صنعت نفت، نزدیکی به کوبا و گسترش نفوذ منطقه‌ای، چالشی جدی برای سیاست‌های سنتی آمریکا در آمریکای لاتین ایجاد کرد.

پس از مرگ چاوز در سال ۲۰۱۳ نیکولاس مادورو، جانشین او شد و مسیر درگیری ایدئولوژیک را ادامه داد. انتخابات جنجالی سال ۲۰۱۸ که از سوی واشنگتن و متحدانش «غیرشفاف و غیرقانونی» توصیف شد، نقطه عطف این بحران بود. تنها چند ماه بعد، آمریکا و بیش از ۵۰ کشور دیگر، خوان گوایدو، رهبر اپوزیسیون را به عنوان «رئیس جمهور موقت» به رسمیت شناختند. این تصمیم عملاً به قطع کامل روابط دیپلماتیک و آغاز سیاست علنی تغییر رژیم منجر شد.



اسرائیل تدوین شد. هیچ توافقی در چارچوب آن وجود ندارد که به فلسطینی‌ها حق تعیین سرنوشت بدهد بنابراین پایدار نخواهد ماند». به گفته مرشایمر، اسرائیل پس از ماه‌ها جنگ هنوز به اهداف اعلام شده خود در نابودی توان نظامی حماس نرسیده و از همین رو بازگشت به سیاست فشار و حملات موضعی، نشانه‌ای از ناتوانی در دستیابی به راحل سیاسی است. او تأکید کرد که این رژیم «در مسیر تکرار اشتباهات گذشته حرکت می کند». در شرایطی که نشانه‌های فروپاشی آتش بس روزبه روز آشکارتر می شود، امیدها به تداوم آرامش در نوار غزه کمرنگ شده است. تحلیلگران معتقدند که بدون تغییر در رویکرد تل آویو و فشار واقعی از سوی میانجی‌های بین المللی، هیچ چشم اندازی برای صلح پایدار در این منطقه وجود نخواهد داشت.

آسیا

توافق افغانستان و پاکستان

دو کشور آتش بس فوری را پذیرفتند

وزارت امور خارجه قطر در بیانیه‌ای اعلام کرد: «در جریان مذاکرات، دو طرف بر سر آتش بس فوری و ایجاد سازوکارهایی برای تحکیم صلح و ثبات پایدار بین دو کشور توافق کردند». در این بیانیه آمده است که کابل و اسلام‌آباد همچنین تصمیم گرفتند در روزهای آینده، جلسات بیشتری را برای اطمینان از پایداری آتش بس و تأیید اجرای آن برگزار کنند. درگیری‌ها بین افغانستان و پاکستان در امتداد خط دیورند در ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر) آغاز شد. پس از حملات هوایی، افغانستان نیروهای امنیتی را در امتداد خط دیورند، مرز بین دو کشور که توسط کابل به رسمیت شناخته نشده است در حالت آمادباش کامل جنگی قرار داد. یک هیات از افغانستان روز شنبه برای مذاکرات صلح با طرف پاکستانی وارد دوحه، پایتخت قطر شد. وزارت خارجه پاکستان اعلام کرده بود، مذاکرات دوحه بر پایان دادن به تروریسم در منطقه مرزی و بازگرداندن صلح و ثبات در مرز پاکستان و افغانستان متمرکز خواهد بود. در همین حال «ذبیح الله مجاهد» سخنگوی دولت افغانستان در سخنانی اعلام کرد که مذاکرات میان هیات‌های افغانستان و پاکستان در شهر دوحه با امضای توافق نامه‌ای دوجانبه به پایان رسیده است. طبق گزارش شبکه الجزیره، وی افزود که این توافق نامه شامل برقراری آتش بس کامل میان دو کشور است و طرفین بر تعهد خود به حفظ صلح، حسن همجواری و حل و فصل تمامی مسائل معلق از طریق گفت وگو تأکید کرده‌اند. سخنگوی دولت افغانستان همچنین تصریح کرد که در این توافق نامه، دو طرف تعهد کرده‌اند از هرگونه حمایت از گروه‌هایی که علیه دولت پاکستان عملیات نظامی انجام می دهند، خودداری کنند. وی ادامه داد: بر اساس مفاد این توافق، نیروهای امنیتی، غیرنظامیان و تأسیسات حیاتی دو کشور از هرگونه هدف گیری در امان خواهند بود و هرگونه اقدام نظامی مستقیم یا غیرمستقیم علیه طرف مقابل ممنوع اعلام شده است. مجاهد افزود: همچنین طرفین بر سر ایجاد سازوکار مشترکی تحت نظارت کشورهای میانجی برای پیگیری اجرای مفاد توافق به تفاهم رسیده‌اند. وی همچنین تصریح کرد: دو طرف از تلاش‌های دولت‌های قطر و ترکیه در تسهیل روند مذاکرات و دستیابی به این توافق صلح آمیز قدردانی می کنند.



«حماس امروز خواهد آموخت که ارتش اسرائیل در محافظت از نیروهای خود تردید نخواهد کرد. هر شلیک و هر نقض توافق، بهایی سنگین خواهد داشت». در مقابل، ناظران بین المللی هشدار داده‌اند که ادامه این روند می تواند، کل روند صلح شکننده غزه را نابود کند. شبکه العربی گزارش داده که با افزایش حملات هوایی در جنوب غزه، هزاران نفر از ساکنان رفح مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند و بیم آن می رود که درگیری‌های گسترده‌تری در روزهای آینده شکل بگیرد. در همین حال، برخی تحلیلگران غربی از جمله جان مرشایمر، استاد برجسته روابط بین الملل در گفت وگویی با رسانه‌ها اعلام کرده است که شکست آتش بس «قابل پیش بینی» بود. او گفت: «طرح آتش بس دولت ترامپ بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدانی و سابقه بدعهدی

از مادورو به معاونش، دلسی رودریگز، را مطرح کرده بود. اما چنانکه ونسائو نومان، نماینده پیشین اپوزیسیون در واشنگتن گفته است: «طرح کنونی آمریکا دیگر صرفاً گذار سیاسی نیست بلکه هدف، دستگیری مادورو و خلع او از قدرت است؛ خواه با بازداشت، خواه با اقدام نظامی».

جنگ روانی و مانورهای نظامی

در ماه‌های اخیر، تصاویر ناوهای آمریکایی و جنگنده‌های گشت زنی در دریای کارائیب در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده است؛ نشانه‌ای از افزایش فشار روانی و احتمال جنگ اطلاعاتی سازمان یافته علیه دولت مادورو. تحلیلگران نظامی معتقدند این نمایش قدرت، بخشی از عملیات روانی هماهنگ واشنگتن برای تضعیف حلقه داخلی «چاویست‌ها» یعنی پیروان هوگو چاوز است. در پاسخ، مادورو دستور برگزاری مانورهای نظامی گسترده را صادر کرده و در سخنرانی هایش از «تجاوز خارجی برنامه ریزی شده» سخن گفته است. با این حال کارشناسان تأکید می کنند که نیروهای مسلح ونزوئلا به دلیل کمبود تجهیزات، فرسودگی سلاح‌ها و نبود قطعات یدکی، توان محدودی برای مقابله با هرگونه تهاجم خارجی را دارند. مادورو همچنین به تازگی گفته که طرح دفاعی کشورش علیه «تهدیدات» آمریکا تکمیل شده است.

نقش اپوزیسیون و منافع پنهان

در این میان، اپوزیسیون ونزوئلا نیز یکار تنشسته است. ماریا ماچادو، چهره شاخص مخالفان و برنده جایزه نوبل صلح، مدعی است مادورو در انتخابات سال گذشته «قدرت را سرقت کرده» و تنها مداخله قاطع آمریکا می تواند مسیر بازگشت دموکراسی را هموار کند. به نوشته فاینشال تایمز، مخالفان امیدوارند که رویکرد نظامی واشنگتن زمینه ساز حضور ماچادو در قدرت شود. اما این سناریو پیش از هر چیز به ارتش ونزوئلا بستگی دارد. آیا نظامیان حاضر خواهند شد علیه رئیس جمهور مستقر دست به اقدام بزنند؟ و آیا واشنگتن تنها به سرنگونی مادورو بسنده خواهد کرد یا قصد دارد، جنبش چاویستا را نیز از صحنه سیاست پاک کند. همزمان برخی منابع اقتصادی در آمریکا فاش کرده‌اند که منافع پشت پرده در کاراکاس صرفاً سیاسی نیست. یک تاجر آمریکایی در گفت وگو با رسانه‌های انگلیسی اظهار کرده است: «ترامپ به دنبال نفت، طلا و منابع معدنی ونزوئلاست. او از شرکت‌های آمریکایی خواسته برای سرمایه گذاری در این کشور آماده شوند. تغییر رژیم هدف نیست؛ وسیله‌ای است برای کنترل منابع».

آینده یک نزاع فرسایشی

اکنون که بیش از ۲۰ سال از آغاز این رویارویی می گذرد، نه واشنگتن به هدف خود در تغییر رژیم رسیده و نه کاراکاس توانسته از زیر سایه تحریم‌ها بیرون آید. مادورو با اتکا به حمایت روسیه، چین و کوبا و کنترل ارتش همچنان در قدرت است؛ در حالی که اقتصاد کشور در بحران عمیق فرو رفته و میلیون‌ها نفر مهاجر شده‌اند. تحلیل گران معتقدند، سیاست فشار حداکثری آمریکا بدون تغییر در ساختار قدرت داخلی ونزوئلا به بن بست رسیده است. با وجودی که دولت‌های مختلف آمریکا، شعار گذار دموکراتیک را تکرار کرده‌اند اما واقعیت میدانی چیز دیگری است: کاراکاس همچنان ایستاده است.

گزارش تجسمی

سرمایه ماندگار نگارگری

بزرگ‌داشت **امیرھوشنگ جزی‌زاده** در اصفهان



بزرگ‌داشت استاد امیرھوشنگ جزی‌زاده، نقاش پیش‌کسوت و از چهره‌های ماندگار هنر معاصر ایران، شامگاه جمعه ۲۵ مهر در عمارت سعدی اصفهان برگزار شد؛ آیینی سرشار از احترام، مهر و یادآوری، همراه با رونمایی از کتاب «کمال حسن»، نمایش مستند «بهای عشق» و افتتاح نمایشگاه آثار تازه استاد با عنوان «اتاق من در ۹۲ سالگی».

هنرمندی از تبار روشنائی

اردشیر مجردتاکستانی، هنرمند و پژوهش‌گر هنرهای تجسمی، در این مراسم با اشاره به خاطرات خود از دیدار با استاد جزی‌زاده گفت: «سال‌ها پیش در دوران فعالیت در هنرستان و دانشگاه، آثار استاد جزی‌زاده برای ما همواره الهام‌بخش بود. رنگ‌های لطیف، طرح‌های استوار و روح زنده‌ای که در کارهای وی جریان دارد از او شخصیتی متمایز و کم‌نظیر ساخته است. در آن دوران، بسیاری از اساتید بزرگ هنر نگارگری همچون شادروان استاد فرشچیان نیز همواره از دقت قلم‌گیری و ترکیب‌بندی‌های استاد جزی‌زاده یاد می‌کردند و توصیه داشتند شاگردان، آثار او را با دقت مطالعه کنند. من خود در سال‌های جوانی بارها در موزه هنرهای ملی ایران، آثار استادان پیشین را مرور می‌کردم و در میان همه آن‌ها، طرح‌های جزی‌زاده جایگاه ویژه‌ای داشت.» مجردتاکستانی، استاد جزی‌زاده را به‌عنوان یکی از ارکان ماندگار نگارگری ایران دانست و گفت: «امیرھوشنگ جزی‌زاده از تبار روشنائی است؛ هنرمندی که عمر خود را وقف کشف معنا، رنگ و زیبایی کرده است. او از نسلی است که در سکوت کار می‌کرد و در پی نام و نان نبود بلکه حقیقتی درونی را در قالب نقش و رنگ به جهان عرضه می‌کرد. در آثار او هیچ تصنعی نیست؛ هر خط، هر رنگ، بازتاب تجربه‌ای زیسته است. جزی‌زاده نقاشی است که در آثارش زمان متوقف می‌شود. او به ما آموخته که نقاشی تنها مهارت نیست بلکه نوعی زیستن و اندیشیدن است. هر اثرش، برگی از دفتر عمر و تجربه‌های انسانی اوست. اگر از نگارگری معاصر سخن بگوییم، نام جزی‌زاده در کنار بزرگانی چون فرشچیان می‌درخشد. او پلی است میان سنت و نوگرایی، میان خیال ایرانی و بیان امروزی. او هنوز در ۹۲ سالگی در جست‌وجوی کشف است، نه تکرار. چنین روحی در هنر امروز کمیاب است و باید قدر آن را دانست.» مجردتاکستانی در پایان تأکید کرد: «بزرگداشت امروز، بزرگداشت انسانی است که با فروتنی، صبوری و عشق، بیش از ۷ دهه از عمر خود را صرف آفرینش کرده است. استاد جزی‌زاده، چراغی است که هنوز در خانه هنر اصفهان می‌درخشد و ما موظفیم این روشنائی را برای نسل‌های آینده زنده نگه داریم.»

پس از سخنان مجردتاکستانی، مستند «بهای عشق» به کارگردانی حامد قصری به نمایش درآمد. این فیلم روایتی شاعرانه از زندگی، نگاه و جهان درونی استاد جزی‌زاده است؛ هنرمندی که در ۹۲ سالگی همچنان با شوق و تأمل به خلق ادامه می‌دهد. در این مستند، گوشه‌هایی از خلوت هنری استاد، گفت‌وگوهایی درباره فلسفه رنگ، معنا، زیبایی

و تصاویری از کارگاه و آثار او به نمایش درآمد که با استقبال حضاران همراه شد.

میراث جاودانه اصفهان

مهدی جمالی‌زاد، استاندار اصفهان نیز در سخنانی با ابراز خرسندی از حضور در جمع هنرمندان گفت: «بسیار خرسندم که امشب در کنار چهره‌هایی هستم که هر یک سرمایه‌های بی‌بدیل فرهنگ و هنر این سرزمین‌اند. دیدار با استاد جزی‌زاده، اسطوره هنر نگارگری ایران، برای من یادآور سال‌هایی است که در شهرداری اصفهان، توفیق آشنایی و دیدار با ایشان را داشتم. اصفهان تنها شهر آثار تاریخی نیست بلکه شهر خالقان آثار است. اگر به بناها و میراث فرهنگی خود می‌بالیم، باید بدانیم که ارزشمندتر از این آثار، خالقان آن‌ها هستند. استادانی چون امیرھوشنگ جزی‌زاده و محمود فرشچیان، روح زنده و هویت این شهرند. صادقانه باید بگویم در حق بسیاری از بزرگان هنر کوتاهی کرده‌ام. من بارها خدمت استاد رسیده‌ام و از نزدیک شاهد شور و عشق ایشان بوده‌ام، اما همچنان احساس می‌کنم کاری درخور شأنشان انجام نداده‌ام. هنرمندان زنده، میراث زنده ما هستند و باید قدرشان را در زمان حیاتشان بدانیم.» جمالی‌زاد سپس از برنامه‌های حمایتی استان برای پاسداشت هنر و مهارت سخن گفت و در پایان با تأکید بر لزوم حفظ آثار استاد جزی‌زاده گفت: «پیشنهاد می‌دهم بنیادی برای ثبت و نگهداری آثار و روایت زندگی استاد جزی‌زاده ایجاد شود تا میراث او برای آیندگان باقی بماند. استاد جزی‌زاده با عشق به اصفهان و ایران زیسته است و ما باید این عشق را به نسل‌های آینده منتقل کنیم. او از جمله هنرمندانی است که نه‌تنها آثارش، بلکه روح و روش زیستش برای همیشه در تاریخ هنر ایران ماندگار خواهد بود.»

در ادامه آیین، مجری برنامه بخش‌هایی از کتاب تازه منتشرشده «کمال حسن» را برای حضاران قرائت کرد؛ کتابی که با نگاهی پژوهشی به سیر زندگی، آثار و اندیشه‌های استاد جزی‌زاده می‌پردازد. پس از آن، گروه موسیقی قطعاتی از موسیقی سنتی را در وصف مقام هنری و انسانی استاد اجرا کردند. نغمه‌های دلنشین سازوآواز، فضای سالن را سرشار از احساس احترام و شور کرد و با استقبال گرم حضاران همراه شد. در پایان این آیین، از کتاب «کمال حسن» به‌طور رسمی رونمایی شد. سپس حضاران به نگارخانه عمارت سعدی رفتند تا نمایشگاه شخصی استاد با عنوان «اتاق من در ۹۲ سالگی» افتتاح شود؛ مجموعه‌ای از آثار تازه هنرمند که بازتاب ذهن، تهایی، تأمل و نگاه شاعرانه او در سال‌های اخیر است. در هر تابلو، رنگ‌ها به گفت‌وگو نشست‌اند و بیننده را به جهانی از درون و معنا دعوت می‌کنند؛ جهانی که تنها از دل ۹۲ سال تجربه و عشق برمی‌خیزد. برگزاری آیین بزرگداشت امیرھوشنگ جزی‌زاده، یادآور ضرورت پاسداشت هنرمندان زنده و حفظ میراث فرهنگی و معنوی آنان در حافظه جامعه است. این مراسم، نه‌تنها تجلیل از یک نقاش و نگارگر هنرمند بلکه ادای دینی بود به نسلی از هنرمندان که با فروتنی، خلوص و عشق، چراغ هنر ایران را روشن نگه داشته‌اند؛ نسلی که هنوز در سکوت و رنگ در پی حقیقت و زیبایی است.

شاعر رنگ و عشق

بزرگ‌داشت **استاد محمود فرشچیان** در اتریش

در مراسمی که به همت رایزنی فرهنگی ایران در اتریش در تالار این سینای وین برگزار شد، جمعی از هنرشناسان، استادان دانشگاه و علاقه‌مندان به هنر ایرانی گرد هم آمدند تا یاد و خاطره استاد محمود فرشچیان، مینیاتوریست برجسته ایرانی را گرامی بدارند.

ترکیبی از حماسه، اسطوره، معنویت و آئین

در این مراسم که با عنوان «شاعر رنگ و عشق» (Poet of Color & Love) برگزار شد، بهمن نامورمطلق، بنیان‌گذار دانشگاه استاد فرشچیان، رئیس سابق فرهنگستان ملی هنر ایران و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی در سخنرانی افتتاحیه خود گفت: «استاد فرشچیان جزو نادر افرادی بودند که در عرصه نگارگری ایرانی فعالیت چشمگیر و تأثیرگذاری داشتند. ایشان انسانی وارسته و فروتن بودند که هیچ‌گاه دچار کبر نشدند. همیشه در پایین‌ترین جایگاه جلسه می‌نشستند و به بسیاری هنرمندان نیازمند، چه جوان و چه پیش‌کسوت، می‌شتافتند. خاطرم هست هنرمندانی با مشکلات اقتصادی را شناسایی کرده و با ارسال کمک مالی، مشکلاتشان را رفع می‌کردند. آثارشان ترکیبی از حماسه، اسطوره، معنویت و آئین است که از فردوسی تا حضرت موسی را در بر می‌گیرد. مثلاً اثری در اینجا به آفرینش و در آن‌سو به شهید و عروج اشاره دارد. نگرش‌شان پیوندی بود و از افراط پرهیز داشتند، همه خوبی‌ها را از متون و افکار مختلف گردآوری می‌کردند. از مکتب اصفهان آغاز کردند، اما با آشنایی با مکاتب تبریز، مشهد سپس تأثیرپذیری از اروپا، به زیبایی‌شناسی جهانی رسیدند. نمایشگاه‌های‌شان در چین، ژاپن، اروپا و آمریکا نشان از این موفقیت دارد. ایشان همیشه دانش‌آموز هنر بودند و بر آموزش تأکید داشتند؛ به همین دلیل دانشگاهی به نامشان در ایران تأسیس شد که بر آموزش معنوی و زیبایی‌شناسی محور تمرکز دارد. در خاک‌سپاری‌شان، حضور همه اقشار از کودک تا پیر، نشان از روح والایشان داشت؛ ضربتی بزرگ به هنر معاصر ما بود و جایگزینی برایشان تا دهه‌ها دشوار خواهد بود.»

گزارش: سینمای ایران

آقای تقوایی، شما نرفته‌اید

ادای احترام **امیر نادری** به ناصر تقوایی در شب نمایش تنگنا

جیرانی با اشاره به تشییع تقوایی و پخش صحبت‌های او در ابتدای این مراسم گفت: «حرف‌های تلخ ناصر تقوایی در این مراسم، حکایت یک نسل بود. نسل دوم فیلمسازی که از دل تحولات فکری روشنفکری اواخر دهه ۴۰ بیرون آمد و سینمای متفکر این دهه را شکل داد. نسلی که از یک انقلاب عبور کرد و در دهه ۶۰ نقشی موثر داشت در شکل‌گیری سینمایی متفکر این دهه. نسلی که در هر دو شرایط در جهانی فیلم ساخت که شبیه آرمان‌ها و آرزوهایش نبود. این نسل برای بودنش در سینما در دو شرایط با دو

در مراسمی برای امیر نادری و ضمن تقدیر از محمد موفق (دستیار کارگردان قدیمی)، حکایت یک نسل موفق از فیلم‌سازان سینمای ایران بازخوانی شد. امیر نادری و علیرضا زرین‌دست خاطراتشان را از «تنگنا» بازگو کردند. عصر شنبه ۲۶ مهرماه کانون کارگردانان خانه سینما یکی دیگر از برنامه‌های نمایش فیلم‌های کلاسیک سینمای ایران را برپا کرد که این بار نوبت به فیلم «تنگنا» امیر نادری رسیده بود. این فیلم چند سال قبل به سفارش فیلمخانه ملی ایران مرمت شده و نسخه اصلاح‌شده آن در سینما فرهنگ برای جمعی از اعضای کانون کارگردانان نمایش داده شد.

در این بخش، یک پیام صوتی از امیر نادری پخش شد و او با اشاره به جایگاه ناصر تقوایی و تأثیر او بر جوانان و فیلمسازان آبادانی از سختی فقدان این کارگردان گفت.

به گزارش ایسنا این فیلمساز آبادانی با اشاره به درگذشت عباس کیارستمی، داورش مهرجویی و حالا ناصر تقوایی بیان کرد: «جگرم تکه‌پاره است. تقوایی ریشه اصلی آبادان در سینما بود؛ کسی که ما از او یاد گرفتیم و نمی‌دانم باید چه بگویم. آقای تقوایی قبل از اینکه فیلمساز شود، نویسنده چند قصه کوتاه درجه یک بود که بیشتر بوی نفت آبادان و گرمی شهر ما را می‌داد. آقای تقوایی حیف شد، آقای مهرجویی حیف شد، آقای کیارستمی حیف شد و تنها چیزی که می‌توانم بگویم، تسلیت زیاد است به خانواده‌اش و همسرش... آقای تقوایی یعنی آبادان، یعنی ریشه سینما و ریشه هنر مدرن در آبادان. امیدوارم بچه‌های آبادان نگذارند، نفس آقای تقوایی خشک شود و کارش را ادامه دهند همان‌طور که آقای تقوایی می‌خواست. البته قیمت گرانی پرداخته می‌شود تا کسی مثل آقای تقوایی دوباره به وجود بیاید، اگر بشود که مثل او به وجود آید. اما این را می‌گویم که آقای تقوایی! شما نرفته‌اید. نفس شما در گرمای آبادان همچنان می‌تپد». فریدون جیرانی - رئیس کانون کارگردانان خانه سینما- قبل از نمایش فیلم «تنگنا» درگذشت ناصر تقوایی را تسلیت گفت و حضاران را به احترام این فیلمساز به یک دقیقه سکوت دعوت کرد.





نه به پادشاه

چهره‌های هالیوود به تظاهرات پادشاه نمی‌خواهیم پیوستند

در آن تابلویی در دست داشت که روی آن نوشته شده بود: «نه الیگارشی، نه دیکتاتور، نه مستبد، نه خودکامه، نه پادشاه!!» در توضیح عکس، او از سخنرانی آبراهام لینکلن نقل قول کرد و نوشت: «... حکومت مردم، توسط مردم، برای مردم، از روی زمین محو نخواهد شد».

اسپایک لی نیز با انتشار پوستر از تظاهرات، تاکید کرد وقت رفتن ترامپ است.

خیابان‌های آمریکا، صحنه یکی از بزرگ‌ترین موج‌های اعتراضی در تاریخ معاصر این کشور بود. میلیون‌ها شهروند از نیویورک و شیکاگو گرفته تا روستاهای کوچک داکوتای شمالی با شعار «نه به پادشاه» (No Kings) به خیابان آمدند. این شعار، یادآور روح انقلاب آمریکا در ۱۷۷۶ نه تنها نماد مخالفت با رفتارهای اقتدارگرایانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکاست بلکه فراخوانی برای بازگشت به اصول بنیادین دموکراسی آمریکایی است.

این اعتراضات که توسط ائتلافی از گروه‌های چپ‌گرا، مدافعان حقوق مدنی و اتحادیه‌های کارگری سازماندهی شده، سومین موج اعتراضی بزرگ از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵ محسوب می‌شود. گستردگی، تنوع و پیام این تظاهرات، نشان‌دهنده شکافی عمیق در جامعه آمریکاست؛ شکافی که فراتر از خط‌کشی‌های حزبی، آینده‌ای مبهم برای دموکراسی آمریکایی ترسیم می‌کند.

تظاهرات خشم مردم آمریکا بیش از ۱۰۰ هزار معترض ضدترامپ را روانه خیابان‌ها کرد. راهپیمایی گسترده اعتراضی «نه به پادشاه» در ۲ هزار و ۵۰۰ نقطه در ۵۰ ایالت آمریکا برگزار شد. در راهپیمایی اعتراضی «نه به پادشاه» در نیویورک، میدان تایمز مملو از جمعیتی بود که یک صدا فریاد می‌زدند: «ترامپ همین الان باید برود.» آدمک‌های ترامپ و جسی دی ونس (معاون ترامپ) با لباس زندان و زنجیر در تجمع «نه به پادشاه» در واشنگتن دی‌سی به نمایش درآمدند. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این جنبش، وسعت جغرافیایی آن است. تا پیش از روز برگزاری بیش از ۲۷۰۰ تجمع در ۵۰ ایالت ثبت شده بود. در شهرهایی مانند واشنگتن دی‌سی، نیویورک، لس‌آنجلس و شیکاگو، جمعیت‌های صدها هزار نفری گرد هم آمدند. در عین حال، شهرهای کوچک مانند بوزمان در مونتانا یا پراویدنس در رودآیلند نیز شاهد مشارکت گسترده بودند. بزرگ‌ترین تجمع ایالتی در پراویدنس با بیش از ۳۲ هزار نفر ثبت شد. در نیویورک، شهردار اریک آدامز امنیت تجمعات را تضمین کرد و در بوستون، شهردار میشل وو آن را «لحظه‌ای تاریخی برای حفظ آزادی» نامید. این وسعت، جنبش را از یک حرکت چپ‌گرا به یک رویداد ملی فراگیر بدل کرده است.

رابرت دنیرو که سال‌هاست به مخالفت علنی با ترامپ می‌پردازد، مارک رافالو اخیراً به حمایت قاطع از غزه پرداخت و جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم کرده بود. جیمی کیمل هم که از سردمداران نهضت ضد ترامپسیسم است و توانست با حمایت هنرمندان هالیوود و طرفدارانش پس از توقف پخش برنامه شبانه‌اش توسط دولت، دوباره این برنامه را روی آنتن بازگرداند.

جیمی کیمل، رابرت دنیرو، گلن کلوز و شماری از چهره‌های مشهور دیگر در مخالفت با ترامپ و در حمایت از جنبش «پادشاه نمی‌خواهیم» وارد میدان شدند.

معتضان ترامپ در دومین حرکت اعتراضی با عنوان «پادشاه نمی‌خواهیم» در شهرهای مختلف آمریکا راهپیمایی کردند و برای محکوم کردن دولت ترامپ وارد میدان شدند. هالیوود هم در حمایت از این تظاهرات کم نیاورد.

شنبه، صدها هزار آمریکایی در همه ایالت‌های آمریکا برای اعتراض به دونالد ترامپ و دولت او به خیابان‌ها آمدند. مانند تظاهرات اول «پادشاه نمی‌خواهیم» که ماه ژوئن برگزار شد، ورود گارد ملی به مناطق بزرگ شهری و کاهش گسترده برنامه‌های فدرال از دغدغه‌های اصلی معترضان است.

مارک رافالو یکی از هالیوودی‌های همیشه مخالف دولت ترامپ از جمله چهره‌هایی بود که به فریاد اعتراضات پیوست. وی نوشت: فوق‌العاده است. خیلی از مردمی که عاشق آمریکا هستند با اعتراض «پادشاه نمی‌خواهیم» همراه هستند.

جیمی کیمل، اینفوگرافیکی در اینستاگرام منتشر کرد که دربرگیرنده ده‌ها لقب تند و تیز برای ترامپ بود و پیشنهاد کرد، معترضان با استفاده از این صفات، رئیس‌جمهور را روی تابلوهای اعتراضی خود خطاب کنند. نمونه‌هایی از این القاب شامل سردسته دزدان، مک‌گلفی حریص، مار-آ-لاردو، ژولیوس سزار نارنجی و عمو کلابردار است. وی نوشت: وقتی پوسترهای «پادشاه نمی‌خواهیم» خود را می‌سازید، به یاد داشته باشید... دونالد ترامپ عاشق یک لقب خوب است.

چند روز جلوتر رابرت دنیرو در ویدیویی ظاهر شد تا مردم را به شرکت در تظاهرات «پادشاه نمی‌خواهیم» تشویق کند. دنیرو گفت: اعتراض اصلی «پادشاه نمی‌خواهیم» ۲۵۰ سال پیش رخ داد و مردم آمریکا به این نتیجه رسیدند که دیگر نمی‌خواهند تحت حکومت شاه جورج سوم زندگی کنند. آنها استقلال خود را اعلام و برای دموکراسی، جنگ خونینی را آغاز کردند. از آن زمان تاکنون دو قرن و نیم دموکراسی داشته‌ایم. اغلب چالش‌برانگیز، گاهی آشفته اما همیشه ضروری.

دنیرو ادامه داد: حالا ما یک پادشاه احتمالی داریم که می‌خواهد این دموکراسی را از بین ببرد؛ شاه دونالد اول. لعنت به این، ما دوباره برمی‌خیزیم، این بار، بدون خشونت صدایمان را بلند می‌کنیم تا اعلام کنیم: نه به پادشاهان. جان کیوزاک در جریان اعتراض به مخالفت با حکومت سلطنتی ترامپ در شیکاگو در مصاحبه‌ای گفت: همه اینها ناراحت‌کننده است. دیدن نوعی رفتار فاشیستی اقتدارگرایانه که جناح راست مدت‌هاست به آن مشغول است و تبدیل شدن آن به واقعیت، قابل‌پیش‌بینی اما عمیقاً ناراحت‌کننده است.

پل شریدر در فیس‌بوک، عکسی از اعتراض به عدم سلطنت در میدان تایمز با عنوان «من آنجا بودم» منتشر کرد.

گلن کلوز نامزد ۸ جایزه اسکار، عکسی منتشر کرد که



کپی می‌کردیم. شخصیت آرام و آزادمنش‌شان، به‌ویژه در عدم اجبار فرزندان‌شان به ادامه راه هنری، قابل تحسین بود. شاگردی ایشان برایم تجربه‌ای ارزشمند بود و نامشان همیشه در تاریخ هنر ایران جاودانه خواهد ماند.» سخنران بعدی، محمد هاشمی، پژوهش‌گر و مدرس فلسفه هنر، به بررسی فلسفی آثار پرداخت و گفت: «بخش‌هایی از آثار استاد فرشچیان با مبانی سنت‌گرایی در حکمت هنر اسلامی سازگار است. سنت در دیدگاه اسلامی، امری قدسی و قابل انتقال از وحی است، برخلاف برداشت غربی که آن را کهنه می‌داند. هنرمند در این چارچوب، تجلی تصویر الهی است و با رمز و راز، پلی به سوی خداوند می‌سازد. در تابلو ابراهیم ب‌شکن، ابراهیم نورانی در مرکز، نیروهای شیطانی را نابود می‌کند و دایره‌ها نماد کمال‌اند. در یوسف و زلیخا و پیران یوسف، نظم و رازآمیزی دیده می‌شود. ظهر عاشورا نیز روایت مذهبی را با حرکات مدور به عالم ملکوت پیوند می‌زند. این آثار نشان از تجربه ملکوتی ایشان دارد.» سخنران پایانی، رضا غلامی، استاد دانشگاه و راین فرهنگی ایران در اتریش گفت: «استاد فرشچیان در زیست-جهانی روحانی زندگی می‌کرد و با رنگ‌ها و خطوط مانند شاعران بزرگ سخن می‌گفت. او عرفان و نقاشی را پیوند داد و با پاکی دل، سلوکی روحانی آغاز کرد. در فیلمی از ایشان دیدم که به شاگردانش بر اهمیت پاک نگه داشتن دل از خودخواهی تأکید می‌کرد. علاوه بر هنر، ایران‌دوستی عمیقی داشت و به جوانان با هر اندیشه و سلیقه‌ای توصیه می‌کرد برای پیشرفت میهن تلاش کنند. او نمادی از صداقت و فروتنی بود و بشریت همچنان به چنین استادانی نیازمند است.» علاوه بر سخنرانی، نمایشگاه گزیده‌ای از آثار منتخب مرحوم استاد فرشچیان به نمایش درآمد که شامل شاهکارهایی مانند پاکدامن ظهر عاشورا و دیگر نقاشی‌های برجسته بود. این مراسم با پخش موسیقی سنتی ایرانی پایان رسید.

چراکه ایشان (ناصر تقوایی) حداقل در ۲۴ سال گذشته نتوانستند کار کنند. وی ادامه داد: «الشب شب آقای امیر نادری است ولی این اتفاق تلخ (درگذشت تقوایی) برای همشهری و هم‌نسل آقای نادری همزمان شده است. از این بابت ضمن ادای احترام به فیلمسازان نسل‌های مختلف سینمای ایران، می‌خواهم بگویم که ایمان دارم روزی در این مملکت دادگاهی به نام رسیدگی به جنایات فرهنگی تشکیل می‌شود. در این دادگاه بسیاری از منتقدها-مأمورها که باعث شرم جامعه شریف منتقدان مملکت هستند و بسیاری از سینماگر-مأمورها که باعث شرم جامعه شریف سینما هستند باید به خاطر تمام همراهی‌هایی که با توقیف و سانسور و تاش بر کار نکردن همکاران خود داشتند، محاکمه شوند و پاسخگو باشند.

در ادامه دانش اقباشاوی، کارگردان و از اعضای کانون کارگردان سینمای ایران هم با بیان اینکه افتخار می‌کند از نسل پنجم سینماگران و از چهره‌های سینمای آبدان است، گفت: «آقای تقوایی نه فقط به گرد آبدانی‌ها و سینمای ایران بلکه در جایی به گرد سینمای جهانی هم خیلی حق داشت. آنچه باعث سوزش روح و روان می‌شود و به قول آقای امیریوسفی باید برایش اعلام جرم کنیم، این است که تقوایی در «ناخدا خورشید» اقتباسی از اثر «همینگوی» می‌کند که به شهادت منتقدان غربی و جشنواره ونیز در سینمای جهان از نسخه ساخته شده با بازی همفری بوگارت بالاتر ایستاده ولی این مرد را از کمر و سینه خنجر زدند و وقتی در سن ۶۰ سالگی، دو پروژه بزرگ او که یکی ۵۰ درصد فیلمبرداری شده بود یعنی پروانه ساخت داشت و مسائل سانسوری‌اش حل شده بود، یعنی «چای تلخ» و نیز «زنگی و رومی» را به دلایل واهی تعطیل می‌کنند، مرد حساس، دانا و هنرمندی چون تقوایی کمرش می‌شکند».

در بخش بعدی این مراسم و پیش از نمایش فیلم «تگتا» کلیبی از صحبت‌های امیر نادری درباره فیلمسازی‌اش، «تگتا» و ترک وطن و نیز حرف‌های بهمن مقصودلو (نویسنده و فیلمساز) و زندیاد سعید رادپخش شد. امیر نادری همچنین از کسانی که فیلم را اصلاح و مرمت کردند، قدردانی ویژه کرد و گفت: «این فیلم برای ۵۰ سال قبل است و خیلی وقت است که آن را ندیده‌ام. من زمانی که فیلم را ساختم دنبال این بودم که چطور می‌توانم، فیلمی مشابه آنچه درباره پاریس دیده بودم از تهرون بسازم. وقتی به نیویورک آمدم، دنبال این بودم که چطور کاراکترم را به آن شهر ببرم. فیلمی ساختم که در زمان خودش نگرفت ولی الان یکی از فیلم‌های کالت نیویورک است.

الان هم فکر می‌کنم، وقت آن است که فیلم‌های شهری از تهرون و همینطور آبدان ساخته شود».

آغاز شد. در کتاب فرهنگ و هنر، با رنگ‌های درخشان و فضای شاعرانه آثارشان روبه‌رو شدم که ذهنم را دگرگون کرد. ایشان با مطالعه آثار رامبرانت و میک‌آنژ در موزه‌های جهان، ساعت‌ها می‌ماندند تا آخرین نفر خارج شوند. این تلاش منجر به تلفیق نگارگری ایرانی با رمانتیسم شد. پس از سلطان محمد، تحول بزرگی ایجاد کردند و با الهام از حافظ و سعدی، مضامین عاشقانه را در قالبی نو عرضه داشتند. در کتاب مجموعه آثارشان، جلد نخست به اصول سنتی وفادار است اما در آثار متأخرشان، جست‌وجوی نوین دیده می‌شود که باید به حساب روحیه جسورشان گذاشت. فرشچیان دارایی پدرش را صرف یادگیری کرد و با ریشه در سنت، آن را به جهان معاصر برد. آثار سیاه‌قلم‌شان کنار رضا عباسی، خلافت‌شان را نشان می‌دهد. ما انسانی بزرگ را از دست دادیم اما هنرش جاودانه است.»

نوآوری در تکنیک و مضمون

سخنران دیگر نشست، فرگل لیلا خطیبی، نقاش ایرانی، مدرس و پژوهش‌گر هنر و از شاگردان استاد فرشچیان با یادآوری دوران شاگردی‌اش گفت: «آشنایی من با استاد به اواسط دهه ۱۳۵۰ شمسی برمی‌گردد، زمانی که ایشان در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نگارگری تدریس می‌کردند. ایشان شناخته‌شده‌ترین مینیاتوریست ایران در عرصه ملی و بین‌المللی بودند و هنر سنتی را از محدوده خواص به عموم مردم بررند. آثارشان مانند ظهر عاشورا حتی برای غیرهنرمندان، شناخته‌شده و تحسین‌برانگیز است. نوآوری در تکنیک و مضمون از ویژگی‌های برجسته‌شان بود؛ هرچند در سبک صفوی کار می‌کردند اما با خلاقیتی کم‌نظیر، تاریخ معاصر را تحت تأثیر قرار دادند. در کلاس‌ها، با مهربانی و دقت، تکنیک‌هایی مانند رنگ‌گذاری و قلم‌گیری را آموزش می‌دادند و ما آثار معتبر را

نوع سانسور درگیر شد؛ سانسوری که ایدئولوژیک نبود اما از تأثیرها و تعبیر روشنفکری اواخر دهه ۴۰ در ادبیات و سینما که ریشه در چپ داشت، نگران و ترسیده بود و چپ‌ها را دشمن اصلی خودش می‌دانست و سانسوری که ریشه در ایدئولوژی داشت و به تفکر این نسل و روشنفکری سوءظن داشت و روشنفکری را مترادف غربزدگی می‌دانست و غرب‌زده‌ها را مقابل اندیشه و تفکر انقلابی قرار می‌داد. اگر سانسور در شرایط قبل در نوشته‌ها و آثار این نسل دنبال تعبیر ضد قدرت می‌گشت در این شرایط سانسور، دنبال تعبیر و تفسیر ضددین در آثار این نسل بود». در بخشی دیگر از این برنامه محسن امیریوسفی- عضو هیات مدیره کانون کارگردانان سینما- با اشاره به همزمانی درگذشت داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی در یک روز و در فاصله دو سال گفت: «هفته غربی را پشت سر گذاشتیم و در دومین سالگرد از دست دادن آقای مهرجویی و همسر گرامی‌شان خانم وحیده محمدی‌فر شاهد از دست رفتن ناصر تقوایی عزیز بودیم. روز ۲۲ مهر را باید روز سیاه سینمای ایران بنامیم؛ روزی که یک فیلمسازمان را به تیغ قتل از دست دادیم و یکی دیگر را به تیغ سانسور



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بورس در مسیر صعود

نقدینگی تازه به بازار سهام وارد شده است؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بُورس تهران دیروز نیز به روند صعودی خود ادامه داد و توانست قله روانی ۳ میلیون واحدی را دوباره فتح کند. شاخص کل بورس در معاملات روز یک‌شنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۴ با رشد ۳۸ هزار و ۸۴۷ واحدی، معادل ۱.۲۷ درصد افزایش یافت و در سطح ۳ میلیون و ۸۷ هزار و ۸۲۴ واحدی متوقف شد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۷ هزار و ۲۷۲ واحدی ۰.۸۲ درصد افزایش یافت و به رقم ۸۹۴ هزار و ۷۸۵ واحد رسید. در فرابورس نیز شاخص کل رشد ۰.۹۴ درصدی را تجربه کرد.

این رشد در شرایطی رقم خورد که نشانه‌های تازه‌ای از بهبود انتظارات و بازگشت نسبی اعتماد سرمایه‌گذاران حقیقی به بازار مشاهده می‌شود. پس از ماه‌ها نوسان فرسایشی و رکود معاملاتی به نظر می‌رسد، بورس بار دیگر در مسیر تعادلی قرار گرفته است. بسیاری از نمادهای بزرگ در پی افت‌های پیاپی تابستان در سطوح جذاب قیمتی قرار گرفتند و همزمان، ثبات نسبی در بازار ارز و آرامش در متغیرهای کلان اقتصادی باعث شد نقدینگی جدیدی وارد بازار شود.

بازار سهام معاملات روز گذشته را با شروعی بسیار مثبت آغاز کرد. از دقایق ابتدایی، شاخص‌ها با رشد قابل توجهی همراه شدند و قدرت خریداران در بیشتر گروه‌ها مشهود بود. ارزش سفارش‌های خرید به‌طور محسوسی از فروش پیشی گرفت به‌ویژه در نمادهای کوچک و متوسط شاهد شکل‌گیری صف‌های خرید بودیم. در همین ساعات اولیه، شاخص کل حدود ۶ هزار واحد بالاتر از رقم پایانی رشد کرده بود.

با گذشت حدود یک ساعت از آغاز معاملات، فشار فروش در برخی نمادها افزایش یافت. گرچه این عرضه‌ها گسترده و سنگین نبودند اما توانستند، بخشی از رشد اولیه شاخص‌ها را تعدیل کنند. اصلاح قیمتی انجام‌شده محدود و کنترل شده بود و بازار در ادامه تا پایان ساعت معاملات ثبات نسبی خود را حفظ کرد. این رفتار نشان می‌دهد که بازار در حال حاضر از پشتوانه تقاضا برخوردار است و اصلاح‌ها بیشتر در قالب استراحت موقت در مسیر صعودی تعبیر می‌شوند. حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی در پایان روز به ۳۸.۷ میلیارد سهم رسید و ارزش کل معاملات نیز رقم قابل توجه ۱۷ هزار و ۵۲۳ میلیارد تومان را ثبت کرد؛ عددی که از بالاترین سطوح چند ماه اخیر محسوب می‌شود.

بر اساس آمارها، سرانه خرید و فروش حقیقی‌ها به ترتیب ۸۷.۲ و ۸۹.۵ میلیون تومان بوده و نسبت قدرت خرید به فروش ۱.۰۳ ثبت شده است. مهم‌تر از همه، جریان ورود پول حقیقی به بازار ادامه دارد؛ دیروز حدود ۲۸۶ میلیارد تومان پول جدید از سوی سرمایه‌گذاران حقیقی وارد بازار شد. این امر بیانگر افزایش تمایل معامله‌گران برای بهره‌گیری از فرصت‌های قیمتی در شرایط فعلی بازار است. در مقابل، جریان خروج پول از صندوق‌های درآمد ثابت همچنان ادامه دارد و در معاملات دیروز به ۱,۶۶۷ میلیارد تومان رسید. این تغییر جهت سرمایه نشان می‌دهد، بخشی از فعالان بازار در حال انتقال منابع خود از ابزارهای کم‌ریسک به سمت سهام و صندوق‌های سهامی هستند؛ نشانه‌ای مثبت از افزایش ریسک‌پذیری و بازگشت اعتماد به بازار سرمایه.

در پایان روز ۶۳ درصد از نمادهای بورسی در محدوده سبز تابلو قرار گرفتند و ۳۷ درصد در محدوده منفی معامله شدند. تعداد نمادهای مثبت ۵۰۶ و منفی ۳۰۳ نماد بود. همچنین ۱۵۹ نماد دارای صف خرید و ۷۹ نماد دارای صف فروش بودند. ارزش کل سفارش‌های خرید و فروش نیز به ترتیب ۱,۴۴۲ و ۷۸۵ میلیارد تومان گزارش شد که نشان‌دهنده برتری تقاضا در برابر عرضه است.

در بازار ارز، معاملات دیروز با نرخ ۱۰۷ هزار و ۸۰۰ تومان برای دلار آغاز شد اما در ادامه دلار دو کانال بالاتر رفت و وارد محدوده ۱۰۹ هزار تومان شد. در بازار طلا و سکه نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید و سکه امامی در کانال ۱۱۵ میلیون تومان معامله شد. با وجود رشد محدود در بازارهای موازی، بورس توانست عملکردی مستقل و مثبت از خود نشان دهد؛ موضوعی که می‌تواند بیانگر چرخش نسبی انتظارات از بازارهای غیرمولد به سمت سرمایه‌گذاری مولد در سهام باشد.

جادوی اطلاعات

چرا سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات مهم است؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

اطلاعات، شالوده عملکرد بهینه بازارهاست. در غیاب دسترسی آزاد و به‌موقع به اطلاعات حتی بازارهایی که از نظر ساختاری رقابتی به نظر می‌رسند، دچار ناکارآمدی‌های جدی می‌شوند؛ از نوسان‌های قیمتی گرفته تا هدررفت منابع و کاهش رفاه مصرف‌کننده و تولیدکننده. نمونه بارزی از این مساله را می‌توان در تجربه صنعت ماهیگیری در ایالت «کالا» در جنوب هند مشاهده کرد؛ صنعتی که ورود یک فناوری ساده، یعنی تلفن همراه، آن را به شکلی بنیادین متحول کرد و به الگویی برای فهم نقش اطلاعات در کارکرد بازارها بدل شد.

بیایید این تجربه را مرور کنیم. ماهیگیری در کرالا یکی از مهم‌ترین صنایع محلی است که بیش از یک میلیون نفر به طور مستقیم در آن فعالیت داشتند. اما این صنعت تا پیش از ورود تلفن همراه با محدودیت‌های عمیق ساختاری روبه‌رو بود. مهم‌ترین مشکل، نبود اطلاعات در لحظه درباره قیمت ماهی در بازارهای مختلف منطقه بود. ماهیگیران که در طول روز در دریا به صید مشغول بودند، هنگام بازگشت به ساحل هیچ اطلاعی از قیمت‌های جاری در شهرها و بنادر مختلف نداشتند. به دلیل هزینه بالای حمل‌ونقل، نبود امکانات نگهداری یا سردخانه و پایین بودن کیفیت جاده‌ها هر ماهیگیر معمولاً فقط می‌توانست، صید روزانه خود را در یک بازار بفروشد. بنابراین تصمیم‌گیری درباره مقصد فروش، پیش از اطلاع از قیمت‌ها انجام می‌گرفت. این ناآگاهی موجب می‌شد در یک بازار، عرضه بیش از تقاضا باشد و قیمت تا حدی پایین بیاید که حتی برخی فروشندگان نتوانند کالای خود را بفروشند و به ناچار صید خود را دور بریزند؛ در حالی که در همان زمان، بازارهای دیگر با کمبود عرضه و قیمت‌های بالا روبه‌رو بودند. نبود آریترائز یعنی خرید در بازار ارزان و فروش در بازار گران‌تر نیز به این نوسانات دامن می‌زد. آریترائز یکی از مکانیسم‌های طبیعی تعدیل قیمت در اقتصاد بازار است اما وقتی هزینه جابه‌جایی اطلاعات و کالا بالا باشد این سازوکار از کار می‌افتد. به این ترتیب، بازار ماهی در کرالا پیش از ورود تلفن همراه، نمونه‌ای زنده از بازاری بود که به دلیل نبود اطلاعات در شرایط ناکارآمدی مزمن عمل می‌کرد. از سال ۱۹۹۷ میلادی به تدریج خدمات تلفن همراه در کرالا گسترش یافت. از آنجا که بیشتر شهرهای بزرگ این ایالت در امتداد خط ساحلی قرار دارند، شرکت‌های مخابراتی دکل‌های خود را در کنار دریا نصب کردند و پوشش شبکه تا ۲۵ کیلومتری از ساحل امتداد یافت؛ یعنی محدوده‌ای که بیشتر قایق‌های ماهیگیری در آن فعالیت می‌کردند. تا سال ۲۰۰۱ حدود ۶۰ درصد قایق‌های ماهیگیری و اکثر عمده‌فروشان و خرده‌فروشان بازار ماهی به تلفن همراه مجهز شده بودند.

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

چرخش بزرگ

بازارها در آستانه چه تحولاتی قرار دارند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

در ماه‌های اخیر، بازارهای جهانی در گردابی از تحولات غیرمنتظره گرفتار شده‌اند. طلا، این پناهگاه سنتی سرمایه‌گذاران در کمتر از ۶ ماه بیش از هزار دلار جهش کرده و به قله‌ای تاریخی رسیده است.

در مقابل، بازار رمزارزها، که زمانی تب‌وتاب آینده مالی جهان بود بیش از ۱۷ درصد از اوج خود سقوط کرده و در آستانه رکود قرار دارد. دارایی‌های پرریسک در سراسر پهنای اند اما طلا و اوراق قرضه بار دیگر به‌عنوان مأمن سرمایه‌گذاران درخشیده‌اند. این چرخش بزرگ در بازارها، ریشه در چهار

در نتیجه، ماهیگیران حین بازگشت از دریا می‌توانستند با تماس تلفنی از قیمت‌ها در بازارهای مختلف مطلع شوند و تصمیم بگیرند که صید خود را به کدام بندر ببرند. این جریان لحظه‌ای اطلاعات، نظم جدیدی در بازار ایجاد کرد. داده‌های به‌دست آمده از این دوره نشان می‌دهد که در عرض چند هفته پس از ورود تلفن همراه، پراکندگی قیمتی بین بازارها به طور چشمگیری کاهش یافت. در مواردی که پیش‌تر قیمت در یک بازار صفر می‌شد پس از ورود تلفن همراه چنین حالتی تقریباً به صفر رسید.

به موازات آن، حجم ماهی فروخته شده به طور میانگین ۲۳ کیلوگرم در روز افزایش یافت که ناشی از کاهش دورریز بود. از سوی دیگر، قیمت برای مصرف‌کننده به طور نسبی کاهش یافت اما ثبات بیشتری پیدا کرد. در واقع، اطلاعات باعث شد قیمت‌ها به سطحی کارآمدتر و متعادل‌تر برسند، جایی که عرضه

و تقاضا به شکلی مؤثرتر با یکدیگر هم‌خوانی می‌یابند. ورود تلفن همراه در کرالا نمونه‌ای کلاسیک از کاهش هزینه‌های اطلاعاتی است. در اقتصاد خرد، فرض بر این است که بازیگران بازار از اطلاعات کامل برخوردارند اما در دنیای واقعی این فرض به ندرت برقرار است. اطلاعات ناقص موجب می‌شود تصمیم‌های تولیدکننده و مصرف‌کننده از بهینه فاصله بگیرند. تلفن همراه این فاصله را کم کرد و هزینه دستیابی به اطلاعات را به شدت پایین آورد.

در نتیجه، آریترائز فعال شد و با انتقال سریع اطلاعات، تفاوت‌های قیمتی میان بازارها از میان رفت. وقتی تفاوت قیمت کاهش یابد، انگیزه برای حرکت عرضه به سمت بازارهای کم‌عرضه بیشتر می‌شود و عرضه مازاد در بازارهای اشباع شده کاهش می‌یابد. این همان مکانیسم کلاسیک تعدیل قیمت از طریق اطلاعات است که اکنون به کمک فناوری ساده‌ای چون موبایل عملی شد.

از دید نظریه رفاه، این تغییر باعث افزایش رفاه اجتماعی شد زیرا هم تولیدکنندگان از درآمد بالاتری بهره‌مند شدند چراکه محصول خود را با کمترین احتمال زیان فروختند و هم مصرف‌کنندگان با قیمت‌های پایین‌تر و عرضه پایدارتر روبه‌رو شدند.

نیروی کلیدی دارد: دو نیروی آمریکایی، یک بحران چینی و بار سنگین بدهی در اقتصادهای پیشرفته.

در آمریکا، سیاست‌های دونالد ترامپ بار دیگر معادلات را به هم ریخته است. رویکرد حمایت‌گرایانه و غیرقابل پیش‌بینی او موجی از بی‌اعتمادی به دارایی‌های دلاری ایجاد کرده است. زمانی اوراق خزانه آمریکا و دلار، لنگرگاه امن سرمایه‌گذاران در توفان‌های اقتصادی بودند اما حالا با فرسایش اعتماد به ثبات سیاسی واشنگتن، سرمایه‌ها به سمت طلا و دارایی‌های ملموس سرازیر شده‌اند. بدهی دولت آمریکا که از ۲۹ تریلیون دلار فراتر رفته، بازاری عظیم‌تر از کل ارزش طلای جهان را شکل داده است. هر تکانه در این بازار می‌تواند، امواجی جهانی به راه اندازد. از سوی دیگر، تعطیلی دولت آمریکا برای سومین بار در دوره ترامپ رخ داده و ممکن

تجربه کرالا نشان می‌دهد که فناوری‌های اطلاعاتی حتی در اقتصادهای درحال توسعه می‌توانند، آثار عمیق و پایداری بر رشد و رفاه داشته باشند. برخلاف تصور عمومی که سرمایه‌گذاری در ICT را لوکس و غیرضروری می‌داند، این تجربه نشان داد که فناوری اطلاعات می‌تواند، خود نوعی زیرساخت اقتصادی حیاتی باشد، زیرساختی که بهره‌وری را افزایش و هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر، پایداری مالی این تحول بود. شبکه تلفن همراه در کرالا توسط بخش خصوصی راه‌اندازی و توسعه یافت؛ بنابراین بار مالی بر دوش دولت نیفتاد و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دیگر کاهش نیافت. این مدل پایدار ناشی از هم‌زمانی منافع اقتصادی شرکت‌های مخابراتی و مصرف‌کنندگان بود: شرکت‌ها از فروش خدمات سود می‌بردند و ماهیگیران نیز با افزایش درآمد خود قادر به پرداخت هزینه استفاده از تلفن همراه بودند.

در عین حال، فناوری اطلاعات از طریق سازوکارهای غیرمستقیم نیز بر توسعه انسانی اثر گذاشت. افزایش درآمد ماهیگیران به معنای افزایش قدرت خرید خانوار و توان بیشتر برای تأمین آموزش، تغذیه و سلامت بود. از سوی دیگر ثبات قیمت مواد غذایی در بازارهای محلی نیز بر رفاه عمومی و امنیت غذایی تأثیر مثبت گذاشت. نکته دیگر به دسترسی برابر به فناوری مربوط می‌شود. در بسیاری از کشورها، نگرانی وجود دارد که فناوری‌های نو تنها در اختیار اقلشار ثروتمند و تحصیل‌کرده قرار گیرد و شکاف دیجیتال، نابرابری اقتصادی را تشدید کند. اما تجربه کرالا نشان داد که حتی گروه‌های کم‌درآمد و کم‌سواد نیز در صورت

وجود انگیزه اقتصادی می‌توانند به سرعت فناوری را جذب و به کار بگیرند. در این مورد، ماهیگیران که اغلب از پایین‌ترین طبقات اجتماعی بودند به یکی از پیشروترین کاربران تلفن همراه در منطقه تبدیل شدند. مطالعه صنعت ماهیگیری در کرالا درس مهمی برای سیاست‌گذاران اقتصادی و توسعه‌ای دارد. فناوری اطلاعات، به‌ویژه در قالب‌های ساده و قابل دسترسی مانند تلفن همراه، می‌تواند کارایی بازارها را به طرز چشمگیری بهبود ببخشد، نوسانات قیمتی را کاهش دهد، اتلاف منابع را از میان ببرد و رفاه اجتماعی را افزایش دهد، آن هم بدون نیاز به یارانه‌های سنگین یا سرمایه‌گذاری‌های دولتی. کرالا نشان داد که دسترسی به اطلاعات همان‌قدر که در بازارهای مالی و صنعتی اهمیت دارد، در بازارهای محلی و سنتی نیز حیاتی است. در نهایت، اطلاعات نه تنها سوخت اصلی بازارهاست بلکه به منزله عدالت در فرصت‌ها نیز عمل می‌کند؛ زیرا با فراهم کردن شفافیت و دسترسی برابر به توزیع کارآمدتر منابع و ثروت می‌انجامد. درسی که از این تجربه گرفته می‌شود، روشن است: در جهانی که سرعت تصمیم‌گیری و جریان اطلاعات تعیین‌کننده موفقیت اقتصادی است، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات نه یک تجمل بلکه ضرورتی برای رشد پایدار و کاهش فقر است.

است بیش از یک ماه طول بکشد. این بحران سیاسی، روایت «فروش آمریکا» را تقویت کرده و دارایی‌های آمریکایی را بیش از پیش تضعیف می‌کند.

در چین، موتور محرک اقتصاد جهان، چرخ‌ها به کندی می‌چرخند. بحران ساختاری در بخش املاک ۳ سال است که شرکت‌ها را به ورطه زیان کشانده و اعتماد مصرف‌کنندگان را فرسوده است. تورم منفی در بخش تولید و مازاد عرضه، صادرات چین را به اوج بی‌سابقه‌ای رسانده و مازاد تجاری این کشور به هزار میلیارد دلار رسیده است. اما این رشد صادرات، تنش‌های تجاری با آمریکا را شعله‌ور کرده و توان پکن برای سیاست‌های حمایتی را کاهش داده است. همزمان اقتصادهای پیشرفته از ژاپن تا فرانسه زیر فشار بدهی‌های کلان دولتی خم شده‌اند. نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی این کشورها به ۱۱۰ درصد رسیده، سطحی که از دوران ناپلئون دیده نشده بود. افزایش نرخ بهره، هزینه‌های دفاعی سنگین و پیری جمعیت، دولت‌ها را در تنگنا قرار داده است. آنها اکنون میان دو گزینه گرفتارند: تورم بالا یا رکود عمیق مالی. این دوراهی اقتصاد جهانی را به سوی احتیاط و نوسانات شدید سوق داده و سایه آن به زودی بر بازارهای ایران نیز خواهد افتاد.



تنش در شورا

اقراریان؛ زاکانی در جلسه شورا به من توهین کرد

گروه اجتماعی: نشست دیروز شورای شهر تهران در حالی برگزار شد که فضای صحن شورا از همان آغاز تحت تأثیر هشدارها و انتقادات تند اعضا نسبت به نایب‌سامانی مدیریت شهری قرار گرفت؛ از بحران آلودگی و ترافیک گرفته تا قطع بی‌رویه درختان و هزینه‌کردهای غیرضروری شهرداری. در کنار این مباحث، تنش لفظی میان برخی اعضا نیز رنگ و بوی سیاسی به جلسه داد و نشان داد، شکاف میان مدیریت شهری و بدنه شورا همچنان پابرجاست. نخستین موج انتقادات از سوی ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، مطرح شد. او در تذکری پیش از دستور با صراحت از «نابودی فضای سبز» و «جابه‌جایی بی‌رویه درختان» در طرح‌های عمرانی شهرداری سخن گفت و تأکید کرد که این اقدامات بدون رعایت اصول فنی و علمی، تهدیدی جدی برای محیط‌زیست پایتخت است. امانی با استناد به قوانین بالادستی از جمله بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری و ماده ۴ آیین‌نامه قانون حفظ و گسترش فضای سبز یادآور شد که نگهداری، حفاظت و آبیاری درختان از وظایف قطعی شهرداری است. او با انتقاد از عملکرد فعلی سازمان بوستان‌ها و پیمانکاران شهری افزود: «روش فعلی نظافت و جابه‌جایی درختان نه‌تنها ناکارآمد است بلکه موجب نابودی سرمایه سبز شهر می‌شود. درختان کاج، سوزنی‌برگ و بیمار پس از جابه‌جایی خشک می‌شوند و در عمل از بین می‌روند». این عضو شورا از «واگذاری گسترده چند منطقه به یک پیمانکار واحد» نیز انتقاد کرد و گفت، تمرکزگرایی در خدمات شهری باعث افت کیفیت و نبود نظارت مؤثر شده است. او در بخشی از سخنان خود با لحنی هشدارآمیز گفت: «اگر تخلفات در زمینه

جابه‌جایی درختان بدون رعایت اصول فنی تکرار شود، من بی‌پروا آنها را افشا خواهم کرد». امانی ۶ مطالبه اصلی را نیز مطرح کرد؛ از جمله تعیین ضرورت طرح‌های عمرانی پیش از قطع درختان، مشخص کردن تعداد دقیق درختان قابل جابه‌جایی، انتخاب فصل مناسب برای انتقال، تعیین محل غرس مجدد، مسئولیت کامل سازمان بوستان‌ها و نظارت مستمر معاونت خدمات شهری تا پایان پروژه‌ها. او همچنین نسبت به حصارکشی‌های مکرر بوستان‌ها بدون توضیح شهرداری اعتراض کرد و خواستار حضور فوری مدیرعامل جدید سازمان بوستان‌ها در صحن شورا شد تا برنامه‌های خود را ارائه کند.

تشکری‌هاشمی؛ شهرداری در مسیر نادرست هزینه کرد

پس از او، سیدجعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورا در تذکری تند نسبت به سیاست‌های اخیر شهرداری در حوزه حمل‌ونقل و هزینه‌های شهری موضع گرفت. او با اشاره به آلودگی روزافزون هوا گفت: «تهران هر ماه گرفتار ترافیک و آلودگی می‌شود. هر سال در پاییز ناچار می‌شویم، مدارس و ادارات را تعطیل کنیم اما هیچ اقدام پیش‌دستانه‌ای انجام نمی‌دهیم». تشکری‌هاشمی از اطلاعیه اخیر سازمان ترافیک مبنی بر ورود ارزانه‌تر به محدوده طرح ترافیک به‌عنوان نشانه‌ای از «نگاه درآمدزایی شهرداری به جای نگاه زیست‌محیطی» یاد کرد و افزود: «هدف از طرح ترافیک، کاهش ورود خودرو به محدوده مرکزی بود، نه درآمدزایی برای شهرداری». او همچنین از کندن و رنگ‌آمیزی جداول خیابان‌ها در حالی که بودجه مترو و پروژه‌های

شهر

لایحه کاهش خشونت یا تشویق به آن؟

اختلاف نظر دولت با مجلس بر سر لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت

دانست و آن را پس گرفت. بهروزآذر تأکید کرد که هدف لایحه اولیه، پیشگیری از خشونت و حمایت از آسیب‌دیدگان بود اما لایحه جدید، کارکرد اصلی خود را از دست داده است.

پیشینه و فرآیند طولانی یک لایحه

لایحه حمایت از زنان بیش از ۱۴ سال بین دولت‌ها و مجلس‌ها دست به دست شده است. ابتدا در دولت احمدی‌نژاد مطرح شد و پس از سال‌ها توقف، دولت حسن روحانی آن را به شکل «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» تدوین کرد که هدف آن کاهش خشونت و حمایت همه‌جانبه از زنان بود. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و تشکیل مجلس دوازدهم این لایحه با نام جدیدی چون «حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده» به مجلس ارسال و در فرآیند بررسی مجلس دچار تغییرات مهمی شد. اکنون این تغییرات، نقدهای گسترده‌ای را برانگیخته و باعث شده که دولت چهاردهم این لایحه را پس بگیرد.



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

در سال‌های اخیر در ایران قتل زنان و خشونت خانگی به‌عنوان بخشی از یک بحران عمیق اجتماعی بر سر زبان‌ها افتاده است. دولت حسن روحانی در پاسخ به این بحران، لایحه‌ای با عنوان «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» تدوین کرد که هدف آن کاهش خشونت و حمایت همه‌جانبه از زنان بود. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و تشکیل مجلس دوازدهم این لایحه با نام جدیدی چون «حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده» به مجلس ارسال و در فرآیند بررسی مجلس دچار تغییرات مهمی شد. اکنون این تغییرات، نقدهای گسترده‌ای را برانگیخته و باعث شده که دولت چهاردهم این لایحه را پس بگیرد.

واکنش علی نیکزاد: «تغییری در لایحه ایجاد نشده است»

علی نیکزاد، نایب رییس اول مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای تأکید کرد که مجلس هیچ‌گونه تغییر ماهوی در لایحه دولت اعمال نکرده است. او گفت زمانی که کلیات یک لایحه در مجلس تصویب می‌شود، نمایندگان جزئیات را در راستای همان کلیات بررسی و نهایی می‌کنند و «تغییری در لایحه ایجاد نشده است». نیکزاد توضیح داد که دولت می‌تواند قبل از تصویب کلیات، لایحه خود را پس بگیرد- همان‌طور که لایحه ساماندهی فضای مجازی پس گرفته شد- اما بعد از تصویب کلیات، نمایندگان موظفند، جزئیات را در چارچوب آن تصویب کنند. این اظهارات در حالی مطرح شد که منتقدان معتقدند، مجلس با حذف بخش‌های اساسی و تغییر نام لایحه، اهداف اصلی آن را تغییر داده است.

تغییر ساختاری و خروج لایحه از هدف اولیه

زهره بهروزآذر، معاون سابق امور زنان و خانواده از منتقدان پررنگ عملکرد مجلس بود. او اعلام کرد که لایحه پیشنهادی دولت توسط مجلس دچار تغییرات ساختاری و ماهوی شده و به همین دلیل دولت تصمیم گرفت، نسخه اولیه که در دولت دوازدهم تدوین شده بود را مطالبه کند. به گفته وی، کمیسیون اجتماعی مجلس، نام لایحه را از «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» به «حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده» تغییر داد و حذف واژه «خشونت» نشان‌دهنده تغییر جهت‌گیری و محتوای آن است. او ادامه داد که این تغییرات فقط لفظی نبوده بلکه مواد حمایتی فراوانی حذف و موارد جدیدی اضافه شده است؛ به همین دلیل دولت نسخه اصلاح شده مجلس را فاقد هویت اولیه



مشخصی ارائه دهد و نسبت به عملکرد قرارگاه مسکن شفاف‌سازی کند. باقری، معاون شهردار، در واکنش اعلام کرد که دبیر قرارگاه مسکن در جلسه حاضر بوده اما اعضای شورا غیبت کرده‌اند.

اقراریان: تهران را با کمپین‌های تبلیغاتی نمی‌توان نجات داد

در بخش دیگری از جلسه، مهدی اقراریان در تذکری نسبت به وضعیت انرژی، آلودگی و کمبود فضاهای تفریحی در تهران هشدار داد. او گفت: «کارشناسان سال‌ها هشدار داده‌اند که زیرساخت شبکه برق فرسوده است اما توجهی نشده. امروز ناترازی انرژی، ترافیک و آلودگی واقعیت‌های تلخ تهران هستند». اقراریان با لحنی صریح افزود: «تهران را با بازی‌های رسانه‌ای نمی‌توان نجات داد. کمپین‌های تبلیغاتی، واقعیت آلودگی و ترافیک را پنهان نمی‌کنند». او همچنین خواستار ساخت شهربازی‌های جدید در پایتخت شد و کمبود امکانات تفریحی را یکی از عوامل کاهش نشاط اجتماعی دانست. مهدی اقراریان در واکنش به سخنان چمران گفت که در هم‌اندیشی قبلی با حضور زاکانی در سراسر جلسه، شهردار به من توهین کرد.

یادداشت

طرح‌های بی‌اثر

وقتی آموزش قربانی فرم‌ها و آمار می‌شود



مریم اسماعیلی‌پور

کارشناس آموزشی

طرح مدرسه تراز در سال دوم اجرای خود است. این طرح مانند طرح تعالی مدیریت مدرسه، طرح برنامه ویژه مدرسه (بوم) و طرح‌های مرتبط با بهداشت و تربیت بدنی و ... معمولاً بدون مشارکت واقعی معلمان، مدیران مدارس و کارشناسان آموزشی طراحی می‌شوند و در اجرا با مقاومت و بی‌انگیزگی آنها همراهند. به جای تمرکز بر یادگیری عمیق و مهارت‌محور دانش‌آموزان، این طرح‌ها تبدیل به ابزاری برای ارائه گزارش‌های اداری شده‌اند. موفقیت طرح‌ها نه با بهبود کیفیت آموزش بلکه با تعداد مدارس تحت پوشش و پر کردن فرم‌ها سنجیده می‌شود. معلمان مجبورند ساعت‌ها وقت صرف تهیه مستندات، پر کردن فرم‌ها و شرکت در جلسات توجیهی کنند، در حالی که این زمان باید صرف تدریس و بهبود روش‌های آموزشی شود. ایران در مدارس خود با چالش‌های اساسی مانند کمبود معلمان باتجربه، فضای آموزشی نامناسب و محتوای آموزشی قدیمی روبه‌رو هستند اما طرح‌هایی مثل مدرسه تراز به جای حل این مشکلات صرفاً دستورالعمل‌های جدیدی را اضافه می‌کنند. یک طرح واحد برای مدارس برخوردار تهران و مدارس محروم سیستان و بلوچستان نمی‌تواند یکسان اجرا شود. طی این سال‌های آزمون و خطا قرار است، معیار اصلی قضاوت در مورد مدرسه تراز ارزیابی نتایج آن است نه فرآیندهای آن. طرح‌ها بدون پژوهش کافی و آزمایش‌های پایلوت اجرا می‌شوند. بودجه ناکافی باعث می‌شود حتی اگر طرحی خوب طراحی شده باشد، در عمل به دلیل نبود امکانات، عدم آموزش نیروها و نظارت ناکافی شکست بخورد. در سیستم آموزش و پرورش ایران، ارائه گزارش‌های فریبنده مهم‌تر از نتایج واقعی است. مدیران مدارس برای نشان دادن عملکرد مثبت، آمارها را دستکاری می‌کنند. نظارت واقعی وجود ندارد و بازرسان اغلب به جای بررسی عمیق به مدارک کاغذی بسنده می‌کنند. طرح مدرسه تراز از سال گذشته در حال اجراست و البته برای شکست خوردن شاخص‌های لازم را دارد. توسعه آن سریع و بدون توجه به زیرساخت‌ها و آگاهی دادن به عوامل مدارس است. کادر مدرسه، پس از سال‌ها تجربه طرح‌های بی‌ثمر و ناکارآمد به این طرح‌ها به دید یک وظیفه اداری اضافی نگاه می‌کنند نه یک فرصت برای بهبود آموزش و تربیت. تا زمانی که آموزش و پرورش ایران به جای حل مشکلات ریشه‌ای به طرح‌های نمایشی و فاقد پشتوانه علمی ادامه دهد، شاهد تکرار چرخه باطل طرح‌های بی‌ثمر خواهیم بود. در این میان، دانش‌آموزان هستند که قربانی اصلی این سیستم ناکارآمد می‌شوند.

می‌دهد. نبود قانونی جامع و بازدارنده در مقابله با خشونت خانگی، پایین بودن هزینه جنایت علیه زنان و نابرابری حقوقی از عوامل اصلی این پدیده است. ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند که اگر زن مسلمان به‌دست مرد مسلمان عمداً کشته شود، قبل از قصاص، خانواده مقتول باید نصف دیه کامل را به قاتل بپردازند. این تبعیض نه‌تنها خانواده قربانی را تحت فشار مالی قرار می‌دهد بلکه بازدارندگی قتل زنان را کاهش داده و پیام غیررسمی می‌دهد که جان زن، نصف جان مرد ارزش دارد. ماده ۶۳۰ همین قانون نیز به مرد اجازه می‌دهد در صورت مشاهده رابطه جنسی همسرش با مردی دیگر- و با فرض رضایت زن- او را بدون مجازات بکشد. وجود چنین موادی در قانون در کنار ضعف اجرای قوانین موجود، زمینه تداوم خشونت را فراهم می‌کند.

پرونده‌های تکان‌دهنده: از زهرا قانمی تا هانیه بهبهودی

برای فهم بهتر وضعیت خشونت، نگاهی به چند قتل اخیر زنان از سوی همسران یا نزدیکان‌شان باید داشته باشیم. زهرا قانمی، عضو گروه مطالعات زنان و خانواده دانشگاه تهران روز ۱۹ مهر ۱۴۰۴ توسط همسرش به قتل رسید. گفته می‌شود، او در خانه‌اش توسط همسرش خفه شد. این قتل در آستانه سال تحصیلی و در فضای علمی کشور نشان داد که حتی افراد تحصیل‌کرده نیز از خشونت خانگی در امان نیستند. ثریا علی‌محمدی، زن ۳۵ساله اهل مریان، پس از تحمل خشونت‌های مکرر از سوی همسرش به خانه پدری بازگشت اما تحت فشار خانواده مجبور به بازگشت شد. همسرش که معتاد به مواد مخدر بود، ابتدا با چاقو به گردن و بدنش ضربه زد، دست و پای او را بست سپس جسد نیمه‌جان‌ش را در پارکینگ با بنزین آتش زد. هانیه بهبهودی، دانشجوی تربیت بدنی و قهرمان میچ‌اندازی خراسان رضوی در خرداد ۱۴۰۴ به دست شوهر ۳۳ ساله‌اش کشته شد. او پس از مشاجره لفظی به‌دلیل دریافت پیامکی ناشناس، همسرش را خفه کرد و برای صحنه‌سازی میچ‌دانشش را برید تا قتل را خودکشی جلوه دهد. منصوره قدیری‌جاوید، خبرنگار و پژوهشگر خبرگزاری ایرنا در آبان ۱۴۰۳ به دست همسرش با ضربات چاقو و دمبل کشته شد. با وجود صدور حکم قصاص، اجرای آن به پرداخت نصف دیه یک مرد از سوی خانواده مقتول منوط شد؛ وضعیتی که نشان داد، عدالت‌گیری برای زنان همچنان نابرابر است. شراره عبدالحسین‌زاده، پژوهشگر حوزه زنان، معتقد است شدت قتل زنان نتیجه مستقیم فقدان سیاست‌گذاری مؤثر، ضعف قانون و نگاه تبعیض‌آمیز حاکمیت است. او می‌گوید، لایحه حمایت از زنان پس از ۱۴ سال رفت‌وبرگشت به متنی تبدیل شده که حتی واژه «خشونت» را حذف کرده و از «کرامت» سخن می‌گوید. این تغییرات تصادفی نیست و نشان می‌دهد، ساختار قدرت از پذیرش خشونت ساختاری علیه زنان می‌ترسد.



سال هشتم شماره ۲۰۹۱
دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴

حافظه

بررسی رخدادهای تاریخی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتصاعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتصاعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

قربانی حزب کور

درباره مرتضی کیوان در سالمرگ او

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

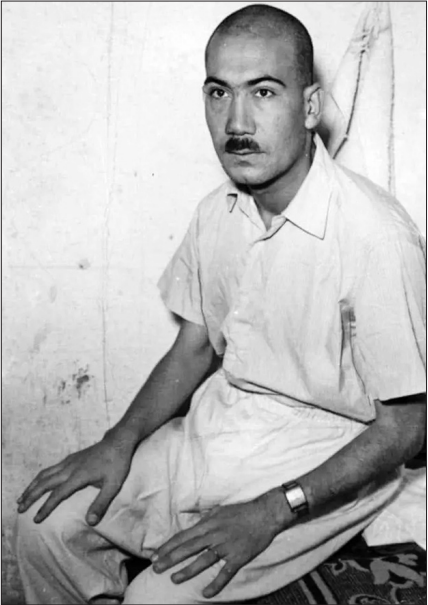
۷۱ سال از تیرباران مرتضی کیوان می‌گذرد؛ شاعری که در تقاطع شعر، رفاقت و ایدئولوژی ایستاد و هر سه را در یک روز از دست داد. در تاریخ معاصر ایران، نام مرتضی کیوان در حاشیه خون و شعر نوشته شده است؛ در همان جایی که اخلاق فردی با ایدئولوژی سیاسی تصادم می‌کند. ۷۱ سال پس از اعدام او که در سحرگاه ۲۷ مهر ۱۳۳۳ انجام شد، هنوز تصویرش برای نسل‌های بعدی مبهم مانده است. شاعری مهربان و وفادار یا عضوی از تشکیلاتی که خود را وارث حقیقت می‌دانست و در عمل چیزی جز وابستگی به مسکو نبود؟

کیوان از دل نسلی برخاست که در دهه ۲۰ با فروپاشی رضاشاهی و ظهور مطبوعات آزاد برای نخستین بار طعم سیاست ممکن را چشید. روشنفکران ایرانی آن زمان در رؤیای ساختن جامعه‌ای عادلانه، چشم به سوسیالیسم دوخته بودند. برای آنان، حزب توده نه یک حزب سیاسی بلکه نسخه‌ای بومی از آرمان عدالت و برابری بود! حزب توده تصویری که از خود ارائه می‌کرد، عاری از آن چیزی بود که شعارش را می‌داد. در همین بستر،

مرتضی کیوان به حزب پیوست اما نه به‌عنوان یک کادر سیاسی بلکه بیش‌تر به‌عنوان چهره‌ای فرهنگی که می‌خواست، آرمان عدالت را از مسیر ادب و هنر زنده نگه دارد.

در کنار احمد شاملو، نادر نادرپور، هوشنگ ابتهاج (سایه) و مهدی اخوان‌ثالث، حلقه‌ای از شاعران و منتقدان شکل گرفت که در شعر، سیاست و اخلاق اجتماعی به دنبال نجات بودند. اما تفاوت کیوان با بسیاری از آنها در این بود که او به حزب وفادار ماند و کم‌وبیش با شاخه نظامی توده، ارتباط داشت و حتی وقتی حزب از واقعیت جامعه جدا شد، کیوان حزب را رها نکرد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ شبکه نظامی حزب توده لو رفت. صدها نفر از افسران و فعالان حزب بازداشت یا متواری شدند. کیوان در آن دوران، به‌رغم هشدار دوستانش، چند تن از افسران فراری را در خانه‌اش پناه داد. ظاهراً تصمیمی اخلاقی بود اما او مرتکب سیاسی‌ترین خطای عمرش شد. می‌خواست وفاداری انسانی را بر ترس و مصلحت ترجیح دهد، بی‌آنکه بداند آیا حزب توده به ایران وفادار خواهد بود یا حزبی است که باید منویات و برنامه‌های مسکو را پیش ببرد. در نظامی استبدادی، کنش او نه فقط بی‌ثمر بلکه ابزار نابودی خود و دیگران شد. رژیم پهلوی، پس از شناسایی مخفیگاه‌ها، او را بازداشت و به اتهام «پناه دادن به افسران



خائن» اعدام کرد. اما مساله فقط مرگ یک انسان نبود؛ مساله، مرگ پاور رمانتیک به عدالت بود.

اشتباه مرتضی کیوان و نسل او این بود که سیاست را همچون شعر می‌دیدند؛ عرصه‌ای برای آرمان، نه برای قدرت. آنان تصور می‌کردند، عدالت با نیت خوب آغاز می‌شود نه با ساختار و این همان خطای کلاسیک روشنفکران ایدئولوژیک است. نادیده گرفتن سازوکار قدرت به نام انسانیت. کیوان به‌جای بازخوانی انتقادی از عملکرد حزب توده که در عمل به شاخه‌ای وابسته

به شوروی بدل شده بود، وفاداری شخصی‌اش را به وفاداری سیاسی ارتقا داد. او ایمان آورد اما تحلیل نکرد که حزب توده چه برنامه‌هایی دارد. درست در این ایمان کور، تراژدی او به وجود آمد. در فرهنگ سیاسی آن دوران، حزب بوده برای بسیاری از روشنفکران جای ایمان به شریعت را گرفته بود. حزب توده برایشان مرجع اخلاق، حقیقت و معنا بود. کیوان و هم‌نسلانش گمان می‌کردند با پیروی از حزب در مسیر تاریخ ایستاده‌اند. اما همان تاریخ، آنان را بلعید. وقتی افسران حزب در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شدند، هیچ‌یک از رهبران اصلی توده در ایران باقی نمانده بودند. آنانی که باید پاسخ‌گو می‌بودند، در شوروی یا اروپای شرقی پناه گرفته و آنانی که شریک‌تر و بی‌پناهر بودند، در میدان تیر ایستادند. با این حال اعدام کیوان، تأثیری عمیق بر حلقه شاعران هم‌نسلش گذاشت. شاملو بعدها در شعر «مرتبه مرتضی کیوان» نوشت: تو آن بلند بلند مهربان بودی که رفتی / و من در کوتاهی این قفس ماندم ...

اما حتی در این سوگ، نوعی بیداری هم نهفته بود. مرگ کیوان به روشنفکران ایرانی آموخت که آرمان بدون نقد به مرگ می‌انجامد.

مرتضی کیوان در تاریخ معاصر ایران، هم قهرمان است و هم هشدار. قهرمان شرافت و هشدار باور بدون نقد. او نشان داد که نجابت فردی، اگر به تحلیل عقلانی و درک پیچیدگی قدرت پیوند نخورد به فاجعه می‌انجامد. تاریخ روشنفکری ایران پر است از چهره‌هایی چون او و افرادی شریف، پاک و مؤمن به عدالت اما گول‌خورده بیگانه که ناتوان از فهم سازوکار واقعیت هستند. درنهایت شاید تراژدی کیوان نه در مرگش بلکه در وفاداری بی‌چون‌وچرا به آرمانی بود که به جای رهایی، بند تازه‌ای آفرید.

شناسه آگهی: ۲۰۲۶۰۵۵نوبت دوم

تجدید آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای شماره ۳۵-۱۴۰۴-۱۳۳۸
شماره فراخوان در سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۰۱۳۴۰۰۱۱۱

شرکت نفت و گاز پارس (کارفرما) در نظر دارد انجام انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:
شرح پروژه:
تعمیرات اساسی ۱۲ دستگاه شیر تویی ۳۲ اینچ کلاس ۹۰۰ با تامین قطعات مورد نیاز به مدت ۲۴ ماه
شرایط مناقصه گر:
۱- حداقل رتبه ۵ نفت و گاز با تعمیر و نگهداری از سازمان برنامه و بودجه کشور
۲- ارایه تعهد نامه رعایت الزامات HSE در سربرج شرکت وفق فرمت مورد تایید مناقصه‌گزار.
۳- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۸۸۲،۴۷۷،۳۹۰ ریال به صورت وجه نقد و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی از بانک‌های معتبر و مورد تایید کارفرما (به جز بانک پاسارگاد و بانک سپه)، مطابق با آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۹۴
۴- ارائه اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبتی هیأت مدیره شرکت.
۵- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابداران رسمی ذیصلاح مربوط به سال ۱۴۰۲ به همراه تاییدیه ثبت صورتهای مالی حسابرسی شده در سامانه پردیس جهت تایید اصالت گزارش.
برآورد کارفرما: مبلغ ناخالص ۷۰۴،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال برای مدت ۲۴ ماه می‌باشد.
نحوه دریافت اسناد اعلام:

روابط عمومی شرکت نفت و گاز پارس

شناسه آگهی ۲۰۲۲۷۶۷نوبت دوم

نقل و انتقال
لنج باری به شماره
ثبت ۱۳۲۲۶- بندر عباس

به استناد رونوشت سند شماره ۱۲۹۹۳۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ با شناسه سند ۱۴۰۴۱۱۴۵۶۳۹۱۰۰۰۱۱ دفتر اسناد رسمی ۱۳ آبادان وراث آقای فالح مطوری ۹۲ سهم مشاع از مقسم ۱۷۶ سهم از شش دانگ سهم خود در مالکیت لنج باری به شماره ثبت ۱۳۲۲۶- بندرعباس را به آقای علی مطوری فرزند فالح انتقال قطعی داده است.
مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

۵۳۸

آگهی فقدان سند مالکیت

بهاره قوجقی با ارائه دو برگ استشهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵۲ نور تصدیق شده است اعلام داشته مقدار شش‌دانگ عرصه و اعیان آپارتمان پلاک ۷۶۲۸ فرعی از ۴ اصلی بخش ۱۰ ثبت نور که در دفتر الکترونیک ۹۵۴۴۰۰۶۰۹۳۱۰۰۲۲۰۱۴ بشماره سریال ۲۸۶۱۰۲ خانم بهاره قوجقی ثبت و صادر گردیده بود و همچنین دو مورد بازداشتی دارد به علت نامعلوم مفقود شده لذا درخواست صدور سند المثنی نموده است. در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می گردد چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت مذکور نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی می بایست اعتراض خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه و رسید آن را دریافت نمایند . بدیهی است چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت و یا سند معامله ارائه نگردد این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی خواهد نمود.
شناسه آگهی: ۲۰۲۹۳۷۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

علی سعادت‌نی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نور

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۷۵۴۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۵۶۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مالکیت آقای ابوالحسن آقاسی به شناسنامه شماره ۳۳ کدملی ۴۲۳۳۸۱۶۴۱۳ صادره از قزوین فرزند باقر در شش‌دانگیکیاب ساختمان به مساحت ۴۸۵/۰۲ متر مربع پلاک شماره ۵ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری مع الواسطه از اکبر میرزایی تأیید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی: ۲۰۲۸۶۰۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

صمد قدیم آبادی

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۶۱۰۰۷۳۸۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۶۱۰۰۱۸۳۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالفضل احمدی به شناسنامه شماره ۴۳۱۰۸۲۷۹۵۰ کدملی ۴۳۱۰۸۲۷۹۵۰ فرزند مختار در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۲۰۴ متر مربع از اراضی روستای آشنستان در پلاک ۳۵ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (مبادیه نامه عادی خریداری با واسطه از نسق زراعی آقای قربان احمدی) محرز گردیده است .
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی: ۲۰۱۴۵۶۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

شعبان عسکری

رئیس ثبت اسناد و املاک